



روز آزادی

مومنی، محمودیان و ربانی آزاد شدند



شروع پایان جنگ

اوکراین آتش‌بس را پذیرفت



رمان‌نویس اشراقی

درباره غزاله علیزاده



خاکسترنشینان بازار جنت‌آباد

گزارش سازندگی از عوارض یک آتش‌سوزی

همه فرزندان ما بودند

رهبر انقلاب با اشاره به حوادث و ناآرامی‌های دی‌ماه تأکید کردند: برای همه جان‌باختگان رحمت و مغفرت الهی مسألت می‌کنیم



یادداشت روز

اضطراب جمعی

نااطمینانی مزمن چه بلایی بر سر جامعه ایران می‌آورد؟

الهام فخاری

روانشناس



جامعه‌ای که سال‌ها زیر فشار تورم مزمن و نااطمینانی اقتصادی زیسته، امروز با لایه‌ای تازه از اضطراب جمعی روبه‌رو شده است: سایه مبهم جنگ. حتی اگر این سایه هرگز به واقعیت تبدیل نشود، صرف تداوم آن برای فرسایش روانی جامعه کافی است. تجربه‌های تاریخی و تحلیل‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد «وضعیت نه جنگ، نه صلح» از نظر روانی فرساینده‌تر از بحران‌های کوتاه‌مدت است؛ زیرا جامعه را در حالت تعلیق دائمی نگه می‌دارد. در چنین وضعی، نه امکان سازگاری کامل با شرایط بحرانی وجود دارد و نه بازگشت به زندگی عادی ممکن است. نتیجه، نوعی برانگیختگی پایدار و کاهش آستانه تحمل در سطح فردی و جمعی است.

وقتی ذهن جمعی در حالت آماده‌باش دائمی قرار می‌گیرد، واکنش‌ها تندتر، اضطراب‌ها عمیق‌تر و تعارض‌ها فراگیرتر می‌شود. افراد نسبت به محرک‌هایی که در شرایط عادی قابل تحمل بود، واکنش‌های شدیدتری نشان می‌دهند. این پدیده صرفاً یک تغییر خلقی نیست بلکه فعال شدن سازوکارهای بقا در روان انسان است؛ سازوکارهایی که برای موقعیت‌های خطر واقعی طراحی شده‌اند اما در شرایط تهدید مبهم نیز فعال می‌شوند. نتیجه آن است، جامعه‌ای که باید انرژی روانی خود را صرف تولید، خلاقیت و توسعه کند، در چرخه دفاع و بقا گرفتار می‌شود. در چنین چرخه‌ای، برنامه‌ریزی بلندمدت، ریسک‌پذیری اقتصادی و حتی امید به آینده تضعیف می‌شود.

پیامدهای این وضعیت تنها در حوزه روان فردی باقی نمی‌ماند بلکه به‌سرعت به رفتارهای اجتماعی و اقتصادی سرایت می‌کند. نااطمینانی مزمن، نخست روابط انسانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد: درگیری‌های بین‌فردی افزایش می‌یابد، آستانه تحمل خطاهای دیگران کاهش پیدا می‌کند و روابط اجتماعی شکننده‌تر می‌شود. اما در سطحی وسیع‌تر همان منطق به رفتارهای اقتصادی منتقل می‌شود. جامعه‌ای که آینده را ناامن می‌بیند به‌طور طبیعی، افق زمانی تصمیم‌گیری خود را کوتاه می‌کند. سرمایه‌گذاری، نوآوری و فعالیت‌های توسعه‌محور به تعویق می‌افتد و جای خود را به رفتارهای احتیاطی و محافظه‌کارانه می‌دهد. این همان نقطه‌ای است که روان جمعی و اقتصاد کلان به هم می‌رسند.

در چنین شرایطی، تلاش برای مدیریت انتظارات تورمی بدون کاهش نااطمینانی سیاسی و امنیتی عملاً بی‌اثر می‌شود. انتظارات تورمی پیش از آنکه پدیده‌ای پولی باشد، واکنشی روانی به ناامنی است. وقتی افق آینده تیره باشد، مردم به‌طور عقلانی دارایی‌های خود را از شکل‌های وابسته به ثبات داخلی به دارایی‌های قابل انتقال تبدیل می‌کنند: ارز، طلا، ملک یا مهاجرت. کاهش ارزش پول ملی در چنین فضایی صرفاً نتیجه متغیرهای مالی نیست بلکه بازتاب مستقیم فقدان حس امنیت است. پول ملی در واقع واحد سنجش اعتماد به آینده یک کشور است؛ هرچه این اعتماد کمتر شود، ارزش آن نیز سریع‌تر فرو می‌ریزد.

ادامه در صفحه ۷

آغاز مسیر توافق

دور دوم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در محل سفارت عمان در ژنو برگزار شد
هر دو کشور بسته‌های پیشنهادی خود را برای توافق به یکدیگر ارائه کردند
سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران از نتیجه این جلسه راضی بود
وزیر امور خارجه عمان نیز خبر داد که مذاکرات با پیشرفت ملموسی به پایان رسید



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



در ادامه دومین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا که با میانجیگری عمان در ژنو برگزار شد، فضای دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن بار دیگر در کانون توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی بین‌المللی قرار گرفت. این مذاکرات در محل اقامتگاه سفیر عمان در ژنو و با میانجیگری «بدر

البوسعدی» وزیر خارجه عمان انجام شد و ریاست هیأت دیپلماتیک و کارشناسی ایران را سیدعباس عراقچی برعهده داشت. مجید تخت‌روانچی، کاظم غریب‌آبادی، حمید قنبری و اسماعیل بقای، چهار معاون وزارت امور خارجه نیز در این نشست، عراقچی را همراهی کردند. حضور این تیم گسترده، نشانه‌ای از اهمیت این دور از گفت‌وگوها و تمرکز ایران بر ترکیب تیمی متشکل از کارشناسان فنی، اقتصادی و حقوقی برای پیشبرد مذاکرات ارزیابی شد. اسماعیل بقای، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در توضیح ترکیب هیأت مذاکره‌کننده تأکید کرد که تیم اعزامی ایران «تیمی کامل» است و «کارشناسان فنی و هسته‌ای، اقتصادی و نیز حقوقدانان هیأت را همراهی کردند». وی با اشاره به محورهای اصلی مذاکرات افزود: «جمهوری اسلامی نگرانی‌های خود درباره رفع تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای را به طرف‌های مقابل منتقل کرده است». بقای همچنین گفت: «با حسن نیت و کاملاً جدی اینجا حضور داریم و نتیجه‌محور هستیم. زمان برای ما بسیار مهم و حیاتی است و به همین دلیل آقای عراقچی همواره گفته است، آماده‌ایم برای نهایی کردن هر توافقی مدت طولانی‌تری اینجا بمانیم؛ چند روز یا حتی چند هفته. امیدواریم از طرف هیأت آمریکایی نیز همین سطح از جدیت و حسن‌نیت را ببینیم».

ادامه در صفحه ۳



سفارت عمان در ژنو

سیاست

روز آزادی

عبدالله مومنی، مهدی محمودیان و ویدا ربانی از امضاکنندگان بیانیه ۱۷ نفر آزاد شدند



گروه سیاسی: عبدالله مومنی، مهدی محمودیان و ویدا ربانی، از فعالان سیاسی و مدنی و از امضاکنندگان بیانیه ۱۷ نفر، روز گذشته با تودیع وثیقه ۶/۵ میلیارد تومانی از زندان نوشهر آزاد شدند. این سه چهره در پی انتشار بیانیه‌ای مشترک به همراه ۱۴ نفر دیگر، موسوم به «بیانیه ۱۷ نفر» بازداشت شده بودند. بیانیه‌ای که در واکنش به اعتراضات اخیر منتشر شد و در آن، امضاکنندگان دیدگاه‌های خود را درباره شرایط جاری کشور بیان کرده بودند. بازداشت این افراد نیز در ارتباط با همین اقدام و مواضع مطرح شده در بیانیه صورت گرفته بود.

همزمان، روز گذشته سخنگوی قوه قضائیه درخصوص بازداشت و پرونده قضایی علی شکوری‌راد، از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، توضیح داد که «شکوری‌راد در رابطه با پرونده قبلی، محکومیت قطعی یک سال حبس را دارد که اجرا نشده بود و به این دلیل وارد زندان شده است». اصغر جهانگیر ادامه داد: درخصوص اظهارات اخیر آقای شکوری‌راد هم پرونده‌ای با اتهام تبلیغ علیه نظام و مسایل امنیتی تشکیل شده که اکنون در مرحله رسیدگی قرار دارد و در جای خود رسیدگی خواهد شد.

او درباره پرونده سایر افراد مرتبط با جبهه اصلاحات نیز توضیح داد و گفت: برای تعدادی از این افراد در دادرسی امنیت به اتهام تبلیغ علیه نظام پرونده تشکیل شده که اکنون در مرحله تحقیقات رسیدگی است و این افراد با صدور قرارهای متناسب آزاد هستند و برای هریک وثیقه ۵ میلیاردی صادر شده است اما رسیدگی ادامه دارد.

جهانگیر همچنین درباره احتمال تأثیر مواضع یا تصمیمات مقامات اجرایی بر روند رسیدگی قضایی تصریح کرد: دستگاه قضایی مستقل است و در چارچوب قوانین ازجمله قانون مجازات اسلامی به پرونده‌ها رسیدگی می‌کند و موضوعات اجرایی ارتباطی با فرآیند قضایی ندارد.

هستهای

چراغ سبز ایران به آژانس

شورای عالی امنیت ملی

با بازدید آژانس از مراکز هستهای موافقت کرد

گروه سیاسی: علاءالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، اعلام کرد که شورای عالی امنیت ملی با بازدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از مراکز هسته‌ای ایران موافقت کرده است و توضیح داد که دلیل این تصمیم، نشان دادن صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به جهان است، هرچند پیش‌تر به دلیل کوتاهی مدیرکل آژانس در عمل به وظایفش و عدم محکومیت حمله به مراکز جمهوری اسلامی، اجازه بازرسی داده نشده بود. بروجردی تأکید کرد که هدف ایران، رفع هرگونه شبهه درباره پایبندی به معاهده انپی‌تی و اثبات ادامه فعالیت هسته‌ای در چارچوب قانونی است. او درباره متولی اصلی مذاکرات هسته‌ای، گفت که تصمیم‌گیری درباره سیاست‌ها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است که همه سران نظام در آن حضور دارند اما اجرای مذاکرات با وزیر امور خارجه است. به همین دلیل سفرهای دیر شورای عالی امنیت ملی به کشورهای منطقه، ازجمله عمان، پیش از مذاکرات انجام شده و جزو روند تصمیم‌گیری نظام محسوب می‌شود. بروجردی درخصوص مذاکرات درباره اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده نیز گفت که ایران براساس منافع ملی هر تصمیمی می‌تواند اتخاذ کند اما خط قرمز کشور حفظ توانمندی غنی‌سازی و دانش فنی است. وی افزود ایران برای دستیابی به این دانش، هزینه و تلاش زیادی کرده و تعدادی از دانشمندان برجسته نیز قربانی اقدامات رژیم صهیونیستی شده‌اند بنابراین، این دستاوردها حتماً حفظ و هرگونه مذاکره براساس منافع ملی و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی انجام خواهد شد.

همه فرزندان ما بودند

رهبر انقلاب با اشاره به حوادث و ناآرامی‌های دی‌ماه تأکید کردند: برای همه جان‌باختگان رحمت و مغفرت الهی مسألت می‌کنیم



ملت از تسلیحات بازدارنده» را ضروری و واجب خواندند و افزودند: هر کشوری بدون تسلیحات بازدارنده زیر پای دشمنان له می‌شود اما آمریکایی‌ها با دخالت در مسئله تسلیحات می‌گویند شما نباید فلان نوع یا بُرد موشک را داشته باشید. درحالی که این مسئله مربوط به ملت ایران است و به آنها ارتباطی ندارد. رهبر انقلاب دخالت آمریکا در حق برخورداری ایران از صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای برای اداره کشور و مصارف درمانی، کشاورزی و انرژی را بی‌منطقی دیگر آنها دانستند و خطاب به آمریکایی‌ها گفتند: این مسئله مربوط به ملت ایران است. به شما چه ارتباطی دارد؟ ایشان با اشاره به شعار مردم مبنی بر اینکه «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست»، گفتند: حق برخورداری از تأسیسات هسته‌ای و غنی‌سازی در قراردادهای آیین‌نامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز برای همه کشورها به رسمیت شناخته شده و دخالت آمریکایی‌ها در حقوق ملی، نشان‌دهنده فکر نامنظم مسئولان امروز و دیروز آنهاست.

آیت‌الله خامنه‌ای بی‌منطقی عجیب‌تر آمریکایی‌ها را نوع دعوت آنها به مذاکره برشمردند و خاطرنشان کردند: آنها می‌گویند، بیاید درباره انرژی هسته‌ای با هم مذاکره کنیم اما نتیجه مذاکره باید این باشد که شما انرژی هسته‌ای نداشته باشید! ایشان با تأکید بر اینکه اگر بنا شد مذاکره‌ای انجام بگیرد، تعیین نتیجه آن از قبل، کاری غلط و ابلهانه است، افزودند: این کار ابلهانه را دولت و رئیس‌جمهور و بعضی از سناتورهای آمریکا انجام می‌دهند و فکر نمی‌کنند که این راه برای آنها بن‌بست است.

پاسخ به تهدیدهای نظامی آمریکا

رهبر انقلاب با اشاره به تهدیدهای مکرر رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر در اختیار داشتن قوی‌ترین ارتش دنیا، تأکید کردند: قوی‌ترین ارتش دنیا هم گاهی ممکن است چنان سیلی بخورد که نتواند از جا بلند شود. ایشان درخصوص تهدید و اقدام دیگر آمریکایی‌ها یعنی اعزام ناو جنگی به سمت ایران، گفتند: ناو البته دستگاه خطرناکی است اما خطرناک‌تر از آن، سلاحی است که می‌تواند، ناو را به قعر دریا بفرستد.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اعتراف رئیس‌جمهور آمریکا به ناتوانی در نابود کردن جمهوری اسلامی با وجود گذشت ۴۷ سال از انقلاب، تأکید کردند: این اعتراف خوبی است. البته من می‌گویم تو هم نخواهی توانست این کار را بکنی چراکه جمهوری اسلامی، حکومتی جدا از مردم نیست بلکه متکی بر ملتی زنده، پابرجا و مستحکم است که برای پیشرفت خود در این ۴۷ سال کار و تلاش کرده و زحمت کشیده است. ایشان با اشاره به ناتوانی دشمن در از جا کندن نهال باریک جمهوری اسلامی در روزهای اول انقلاب، افزودند: امروز بحمدالله جمهوری اسلامی شجره‌ای مبارک، بلند و پرمهر و کشوری برخوردار از امکانات فراوان است که مسئولان عزیز و محترم دولتی باید با بهره‌گیری از این امکانات، کار و تلاش خود را دو برابر و مضاعف کنند تا تورم کنونی و سقوط ارزش پول ملی که هر دو غیرمنطقی است اصلاح شود و به امید خدا اصلاح نیز خواهد شد. رهبر انقلاب، استمرار جدی، دقیق و با ملاحظه همه جوانب کارهای آغاز شده و رفع مشکلات و آرام کردن محیط کسب‌وکار را وظیفه مسئولان خواندند و گفتند: اگر تهدیدی وجود دارد، دستگاه‌های خنثی‌کننده تهدید هم وجود دارند بنابراین مردم بدون دغدغه به کار و زندگی، تحصیل، کسب‌وکار و تجارت خود بپردازند. ایشان حاکم شدن آرامش و اعتمادبه‌نفس بر کشور را ضروری برشمردند و ابراز امیدواری کردند، خداوند آرامش و اطمینان قلبی را بر آحاد مردم نازل و مسئولان را به ادای وظایف خود موفق کند.

رهبر انقلاب افزودند: دسته سوم جان‌باختگان «فریب‌خوردگانی هستند که سادگی کردند و با فتنه‌گران همراه شدند»؛ آنها هم از ما و فرزندان ما هستند و ما داغدار آنها نیز هستیم و برای همه جان‌باختگان رحمت و مغفرت الهی مسألت می‌کنیم. ایشان افزودند: برخی از این فریب‌خوردگان که بازداشت و زندانی هم نشده‌اند برای من نامه نوشته و ابراز پشیمانی و طلب حلالیت کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اقرار آمریکایی‌ها به تشکیل داعش، گفتند: آن داعش، کم‌وبیش از بین رفته اما اینها «داعش‌های جدید» هستند که باید در این زمینه، همه مسئولان و مردم مراقب باشند؛ به‌خصوص جوانان مراقب و حواس جمع باشند که چه کسی به آنها چه حرفی می‌زند و چه پیشنهادی می‌دهد. رهبر انقلاب تأکید کردند: مردم طالب تعقیب و مجازات دسته اصلی اغتشاشگران مفسد هستند و دستگاه‌های قضایی و امنیتی موظفند اینها را محاکمه و مجازات کنند و با کسانی که «با حرف و تحلیل و عمل» با دشمن همراهی می‌کنند، برخورد قضایی عادلانه شود. ایشان افزودند: به احتمال زیاد، نقشه بعدی آمریکا درباره جمهوری اسلامی از همین سبک و همین‌گونه کارهاست؛ البته بدون تردید و به لطف الهی و در پرتو آمادگی و زنده بودن ملت، هر حرکتی از این دست با برخورد محکم ملت نابود خواهد شد.

افول آمریکا و ایستادگی ملت ایران

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنانشان، مشکلات پرشمار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمریکا را نشانه‌هایی از روند افول و انقراض امپراتوری آمریکا برشمردند و گفتند: مسئله آمریکا با ما این است که می‌خواهد، ایران را بیلعد اما ملت ایران و جمهوری اسلامی مانع تحقق هدف آنها هستند. ایشان حرف‌های تهدیدآمیز رئیس‌جمهور آمریکا را نشان‌دهنده آرزوی آنها برای تسلط بر ملت ایران دانستند و افزودند: ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را به‌خوبی بلد است و می‌داند که چه موقع چه کاری باید انجام دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به جمله‌ای تاریخی از امام حسین(ع) مبنی بر اینکه کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند، خاطرنشان کردند: ملت ایران هم می‌گوید، ملتی مثل ما با چنین فرهنگ، سابقه و معارف عالی با کسانی همچون افراد فاسد حاکم بر آمریکا بیعت نخواهد کرد. ایشان آشکار شدن فسادهای حیرت‌انگیز در ماجرای «جزیره بدنام» را نشان‌دهنده واقعیت تمدن و لیبرال دموکراسی غرب خواندند و افزودند: هر چه درباره فساد سران غربی شنیده بودیم یک طرف، قضیه این جزیره یک طرف. البته این فقط نمونه‌ای از انبوه مفاسد آنهاست و همچنان که این مسئله آشکار نبود اما آشکار شد، موارد زیادی نیز وجود دارد که بعداً آشکار خواهد شد.

رهبر انقلاب با اشاره به فضای سراسر تهدید حاکم بر تبلیغات و اظهارات مقام‌های دولتی آمریکا و رسانه‌های صهیونیستی فعال در آمریکا علیه کشورمان، گفتند: شما مردم تبریز و ملت ایران در ۲۲ بهمن پاسخ تهدیدها و حرف‌های مهمل و بی‌معنی آنها را دادید و آشکار کردید که تهدید نه‌تنها اثری ندارد بلکه باعث تشدید انگیزه ملت می‌شود. ایشان با تأکید بر اینکه آمریکایی‌ها با وجود تهدید به جنگ، می‌دانند که به‌خاطر مشکلات سیاسی، اقتصادی و آبرو و اعتبار بین‌المللی خود، طاقت این حرف‌ها را ندارند، افزودند: آنها می‌دانند که اگر اشتباهی کنند چه آینده‌ای در انتظارشان است. آیت‌الله خامنه‌ای از دیگر نشانه‌های زوال امپراتوری فاسد و ظالم آمریکا را بی‌منطقی آنها برشمردند و گفتند: مصداق بی‌منطقی‌های آنها، دخالت در مسائل ایران ازجمله در یکی از مسائل مهم ما یعنی مسئله تسلیحات است. ایشان «برخورداری

گروه سیاسی: رهبر انقلاب روز گذشته در دیدار هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی با اشاره به حوادث و ناآرامی‌های اخیر، تأکید کردند: «به‌جز سردسته‌ها و عناصر مفسد متصل به دشمنان، همه شهدا و جان‌باختگان اغتشاشات را فرزندان خود می‌دانیم و داغدار و عزادار همه آنها هستیم». ایشان همچنین شهید محسوب کردن کشته‌شدگان این حوادث از سوی مسئولان را اقدامی درست دانستند و در ادامه ضمن اشاره به تهدیدهای مکرر رئیس‌جمهور آمریکا درباره در اختیار داشتن قوی‌ترین ارتش دنیا، خاطرنشان کردند که «قوی‌ترین ارتش دنیا هم گاهی ممکن است چنان سیلی بخورد که نتواند از جا بلند شود». رهبر انقلاب درباره اعزام ناو جنگی آمریکا نیز افزودند: «ناو البته دستگاه خطرناکی است اما خطرناک‌تر از آن، سلاحی است که می‌تواند ناو را به قعر دریا بفرستد».

همه جان‌باختگان، فرزندان این ملت‌اند

رهبر انقلاب در این دیدار، امسال را سالی عجیب و پرحادثه خواندند و «پیروزی ملت در جنگ ۱۲ روزه»، «به خاک نشاندن فتنه مهم و سنگین دی‌ماه» و «حضور پرشکوه مردم دردو راهپیمایی عجیب ۲۲ دی و ۲۲ بهمن» را نشانه اقتدار و زنده بودن ملت عزیز ایران برشمردند و با تأکید بر حفظ و تقویت «آمادگی، هوشیاری و اتحاد ملی»، افزودند: به‌جز سردسته‌ها و عناصر مفسد متصل به دشمنان، همه شهدا و جان‌باختگان اغتشاشات را اعم از «نیروهای مدافع امنیت و آرامش جامعه»، «رهگذران بی‌گناه» و حتی «فریب‌خوردگانی که به علت سادگی و عصبانیت همراه فتنه شدند»، فرزندان خود می‌دانیم و داغدار و عزادار همه آنها هستیم. آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت مضاعف دولتمردان را برای حل مشکلات، مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی، مورد تأکید قرار دادند و در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به دخالت‌های بیجا و تهدیدات گستاخانه مقامات و رسانه‌های آمریکایی درباره حمله به ایران، گفتند: خودشان هم می‌دانند که طاقت این حرف‌ها و کارها را ندارند و «ارتشی که خود را قوی‌ترین ارتش جهان می‌داند» ممکن است آن‌چنان سیلی محکمی بخورد که نتواند از جایش بلند شود؛ ضمن اینکه دستگاه‌های مسئول مقابله با تهدید، آمادگی لازم را دارند و ملت باید با آرامش و اطمینان‌خاطر به کار و زندگی خود مشغول باشد.

ایشان تبیین ماهیت و ابعاد فتنه دی‌ماه را از زبان «اهل فکر و تحلیل»، ضروری خواندند و گفتند: چیزی که اتفاق افتاد، حرکت و اغتشاش عده‌ای جوان و غیرجوان عصبانی نبود بلکه «کودتای برنامه‌ریزی شده‌ای» بود که زیر پای ملت ایران له شد.

آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح این واقعیت افزودند: دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی با کمک دستگاه‌های اطلاعاتی برخی کشورهای دیگر، از مدت‌ها قبل عده‌ای شش‌رو را دارای زمینه شرارت را جذب و در خارج به آنها آموزش و پول و سلاح دادند و برای خرابکاری و حمله به مراکز نظامی و دولتی به داخل فرستادند تا در فرصت مناسب وارد میدان شوند که این فرصت در نیمه دی‌ماه به دست‌شان آمد. رهبر انقلاب تحت‌تأثیر قرار دادن و به خشم آوردن عده‌ای بی‌تجربه و ساده‌د را گام دیگر آلمان و علانان فتنه برشمردند و گفتند: عناصر آموزش‌دیده، این‌گونه افراد را به جلو فرستادند و خودشان هم با سلاح‌های مختلف و سیاست «حرکت خشن و بی‌ملاحظه» وارد میدان شدند و مثل داعش، با خشونت عجیب «آتش زدند و کشتند و تخریب کردند». ایشان هدف اصلی از این اقدامات را متزلزل کردن پایه‌های نظام خواندند و گفتند: البته نیروهای انتظامی، بسیج و سپاه و تعداد زیادی از مردم در مقابل اغتشاشگران ایستادند و «کودتا» با همه مقدمه‌چینی و خرج‌های هنگفت، به‌وضوح شکست خورد و ملت، پیروز میدان شد.

مرز بندی با عناصر وابسته به دشمن

آیت‌الله خامنه‌ای «راهپیمایی‌های عجیب ۲۲ دی و ۲۲ بهمن» را از «آیات الهی» دانستند و تأکید کردند: ملت عزیز که توانسته این‌چو بر بدخواهی‌ها و توطئه‌های دشمن پیروز شود باید با «آمادگی، هوشیاری و اتحاد ملی» این توفیق آشکار الهی را حفظ کند. ایشان درباره خون‌های بر زمین ریخته شده در اغتشاشات، افزودند: عده‌ای که سردسته فتنه و جزو کودتاچیان بودند به درک واصل شدند و سروکارشان با خداوند است اما همه سه دسته دیگر جان‌باختگان را بچه‌های خود می‌دانیم و عزادار همه آنها هستیم. ایشان دسته اول جان‌باختگان یعنی «نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و مردم همراه آنان» را شهدای بزرگ امنیت و آرامش و سلامت جامعه و نظام خواندند و افزودند: دسته دوم جان‌باختگان هم که رهگذران و مردم بی‌گناه بودند شهیدند؛ چراکه در فتنه‌ای که دشمن به‌پا کرده بود، گلوله خوردند و جانشان را از دست داده‌اند.

شروع پایان جنگ

ژلنسکی آتش بس بی قید و شرط را پذیرفت

گروه بین الملل: ولودیمیر ژلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در پیامی که شامگاه دوشنبه در کانال تلگرام خود منتشر کرد از موضعی انعطاف پذیرتر پرده برداشت که نشان دهنده آمادگی کیف برای پذیرش طرح های پیشنهادی ایالات متحده است. او به صراحت اعلام کرد که کشورش با تمام پیشنهادهای واقع بینانه واشنگتن، از جمله برقراری یک آتش بس بی قید و شرط و بلندمدت، موافقت کرده است. این اظهار نظر در حالی صورت می گیرد که پیش از این، خطوط قرمز دو طرف مانع از پیشرفت جدی در مذاکرات شده بود. با این حال، ژلنسکی در ادامه سخنان خود مدعی شد که روسیه همچنان بر طبل جنگ می کوبد و این پیشنهادهای صلح طلبانه را رد کرده است. او با متهم کردن مسکو به تلاش برای وارد آوردن ضربات دردناک به زیرساخت ها و توان نظامی اوکراین، فضای روانی حاکم بر میدان نبرد را متشنج توصیف کرد. به باور رئیس جمهور اوکراین در شرایطی که هیأت اعزامی کیف در ژنو مستقر شده و آماده گفت وگوهای فشرده است، سایه سنگین بی اعتمادی و تداوم حملات روسیه، مسیر رسیدن به یک توافق پایدار را ناهموار کرده است. اکنون نگاه تمامی ناظران بین المللی به نشست های سه جانبه ای دوخته شده که قرار است در سوئیس برگزار شود؛

نشست هایی که می تواند، تعیین کننده سرنوشت میان مدت این جنگ فرسایشی باشد. در کانون مذاکرات پیش رو در ژنو، مسئله ای بنیادین و بسیار بحث برانگیز قرار دارد که به سرنوشت بلندمدت مناطق شرقی اوکراین گره خورده است. این مناطق که بخش های وسیعی از آن در حال حاضر تحت کنترل نیروهای فدراسیون روسیه است، قلب تپنده درگیری های ارضی و هویتی میان دو کشور به شمار می رود. مسکو برای هرگونه توافق احتمالی و توقف عملیات نظامی، شروط سختگیرانه ای را روی میز گذاشته است که پذیرش آنها برای دولت ژلنسکی یک چالش سیاسی و حاکمیتی بزرگ محسوب می شود. روسیه به طور مشخص خواستار خروج کامل نیروهای نظامی اوکراین از منطقه راهبردی دونباس شده است. این جغرافیا شامل شهرهایی است که نه تنها از نظر نظامی بسیار مستحکم و نفوذناپذیر طراحی شده اند بلکه بر فراز منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی بسیار غنی قرار دارند که ارزش اقتصادی آنها برای آینده هر دو کشور حیاتی است. از منظر کرملین، تسلط کامل بر این مناطق بخشی غیرقابل مذاکره از امنیت ملی روسیه و تضمینی برای حفاظت از جمعیت روس تبار منطقه تلقی می شود. در مقابل،

موضع رسمی کیف در آستانه مذاکرات ژنو بر حفظ وضعیت موجود در خطوط مقدم فعلی استوار است. دولت اوکراین به صراحت اعلام کرده که عقب نشینی یک جانبه نیروهای خود را از مناطقی که با هزینه های انسانی و مادی فراوان حفظ شده اند تحت هیچ شرایطی نخواهد پذیرفت. کیف معتقد است، توقف درگیری ها باید بر اساس واقعیت های میدانی فعلی و بدون واگذاری امتیازات ارضی کلان صورت گیرد تا توازن قوا برای مذاکرات سیاسی آینده حفظ شود. شکاف عمیق میان خواسته های روسیه برای تخلیه کامل دونباس و پافشاری اوکراین بر حفظ خطوط دفاعی فعلی، مذاکرات ژنو را به یکی از پیچیده ترین مذاکرات سال های اخیر تبدیل کرده است. درحالی که ژلنسکی تلاش می کند با



پذیرش پیشنهادهای آمریکا، خود را به عنوان طرف طرفدار صلح در افکار عمومی جهان معرفی کند، روسیه بر تحقق اهداف راهبردی خود در شرق تأکید دارد. تضاد میان پیشنهاد آتش بس بی قید و شرط و واقعیت های سخت میدانی نشان می دهد که مسیر صلح فراتر از بیانیتهای تلگرامی است. منابع غنی دونباس و استحکامات نظامی موجود در آن، این منطقه را به جایزه ای بزرگ تبدیل کرده که هیچ یک از طرفین حاضر به عقب نشینی از آن نیستند. روزهای آینده در ژنو نه تنها برای تمامیت ارضی اوکراین بلکه برای نظم امنیتی اروپا تعیین کننده خواهد بود زیرا هرگونه توافق یا بن بست در این نشست ها، جهت گیری سیاست بین الملل در قبال بحران شرق را برای سال های طولانی ترسیم خواهد کرد.

ادامه تیتريک

آغاز مسیر توافق

در طرف مقابل، ریاست هیأت آمریکایی را استیو ویتکاف برعهده داشت و همانند مذاکرات پیشین در مسقط، جرد کوشر، داماد و مشاور ارشد دونالد ترامپ نیز در گفت وگوها حضور داشت. منابع ایرانی اعلام کردند که تمرکز اصلی این دور از مذاکرات بر موضوع هسته ای ایران و رفع تحریم های آمریکا علیه تهران بوده و مسائل منطقه ای و موشکی در دستور کار گفت وگوها قرار نداشته است. این تفکیک موضوعی از نگاه برخی تحلیلگران نشان دهنده تلاش دو طرف برای تمرکز بر حوزه های قابل حصول توافق در کوتاه مدت و جلوگیری از پیچیده شدن مذاکرات با طرح مسایل فرابرجامی است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، نیز در اظهاراتی تأکید کرد که به طور



«غیرمستقیم» در این مذاکرات مشارکت دارد. وی در گفت وگو با خبرنگاران در هوایمما ویژه ریاست جمهوری این مذاکرات را «بسیار مهم» توصیف کرد و گفت: «من به طور غیرمستقیم در آن دخیل خواهم بود». ترامپ در پاسخ به پرسشی درباره چشم انداز توافق احتمالی میان واشنگتن و تهران اظهار کرد که ایران پیش تر رویکردی سختگیرانه داشته اما پس از حمله جنگنده های بی ۲ آمریکایی به تأسیسات هسته ای ایران در تابستان گذشته، پیامدهای این سیاست را درک کرده است. وی افزود: «من فکر نمی کنم آنها بخواهند با پیامدهای عدم دستیابی به توافق روبه رو شوند».

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، نیز پیش تر در اظهاراتی گفته بود: «فکر می کنم اگر فرصتی برای دستیابی به یک توافق دیپلماتیک که مسایل مورد نگرانی ما را پوشش دهد به وجود بیاید، ما کاملاً آماده و گشوده به آن خواهیم بود. با این حال نمی خواهم اغراق کنم، این کار قطعاً دشوار خواهد بود». روبیو تصریح کرد: «دستیابی به توافق های واقعی با ایران برای بسیاری دشوار بوده است زیرا ما با روحانیون شیعه روبه رو هستیم که تصمیم های خود را بر پایه ملاحظات الهیاتی می گیرند، نه ژئوپلیتیکی». این سخنان بازتاب دهنده نگاه بدبینانه بخشی از دستگاه سیاست خارجی آمریکا نسبت به ساختار تصمیم گیری در ایران و پیچیدگی های دستیابی به توافقی پایدار است.

در همین حال، روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی مدعی شد که ایران در مذاکرات ژنو، ایده های تازه ای از جمله «تعطیل غنی سازی»، «انتقال بخشی از ذخایر اورانیوم به خارج» و حتی «توافقی های اقتصادی با آمریکا» را مطرح کرده است. این رسانه نوشت که این پیشنهادها شامل توقف

کامل غنی سازی، که مطالبه اصلی ترامپ است، نمی شود و همین موضوع می تواند، مانعی برای رسیدن به توافق نهایی باشد. براساس برخی گزارش ها و گمانه زنی های رسانه ای، پیشنهادهای مطرح شده از سوی ایران در این دور از مذاکرات شامل توقف غنی سازی به مدت ۳ سال و پس از آن از سرگیری غنی سازی در سطح ۳.۶ درصد، عدم آزمایش موشک جدید در این دوره ۳ ساله، ترک مخاصمه غیررسمی با اسرائیل، واردات ۲۰۰ میلیارد دلاری از آمریکا شامل هواپیما، خودرو و سایر کالاها همچنین واگذاری پروژه های نفتی و معدنی به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار به شرکت های آمریکایی بوده است. در مقابل، برخی منابع دیگر گفته اند که ایران از مذاکره بر سر اصل غنی سازی و کاهش برد موشک ها امتناع کرده است.

در همین حال حمید قنبری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه اظهار کرد: در مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا منافع مشترک در حوزه های نفت و گاز، سرمایه گذاری های معدنی و حتی خرید هواپیما در متن مذاکرات گنجانده شده است. قنبری افزود: برای پایداری توافق،

ضروری است که آمریکا نیز بتواند در حوزه هایی با بازده اقتصادی بالا و سریع، بهره مند شود. معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه ادامه داد: منابع محدود یا مسدود شده ایران نیز بخشی از توافق خواهند بود و آزادسازی آنها باید واقعی و قابل استفاده باشد، نه صرفاً نمادین یا مقطعی.

این مقام مسئول تصریح کرد: مذاکرات با هدف دستیابی به توافق جدی پیگیری می شوند اما هیچ دستگاه یا نهاد داخلی نباید فعالیت های عادی خود را به بهانه مذاکرات متوقف کند.

با پایان این دور از مذاکرات، خبرنگار اعزامی ایرنا به ژنو به نقل از منابع نزدیک به هیأت مذاکره کننده ایرانی اعلام کرد که مذاکرات «بسیار جدی» بوده و «بر روی برخی مباحث کلی تفاهم شده است». به گفته این منابع، قرار شد، گفت وگو درباره جزئیات بیشتر پس از مشورت هیأت ها با پایتخت ها ادامه یابد. خبرگزاری بلومبرگ نیز گزارش داد که دور سوم مذاکرات در آینده ای نزدیک و پس از مشاوره هر دو طرف با مقامات عالی برگزار خواهد شد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در جمع بندی خود از این نشست گفت: «از دیروز رازینی ها شروع شده بود و گروسی به ژنو آمد و در ابعاد فنی بحث های خوبی با ایشان انجام شد و ایشان دیدار با هیأت آمریکایی داشت». وی با اشاره به فضای مذاکرات افزود: «در این دور نسبت به دور گذشته، بحث های کاملاً جدی مطرح شد و فضای سازنده تری وجود داشت».



عراقچی ادامه داد: «ایده های مختلفی مطرح شد و این ایده ها به صورت جدی مورد بحث واقع شد و نهایتاً ما بر یک سری اصول راهنما توانستیم یک موافقت کلی پیدا کنیم که از این به بعد براساس آن اصول حرکت خواهیم کرد و وارد متن یک توافق احتمالی خواهیم شد». وی در عین حال تأکید کرد: «این بدان معنا نیست که به سرعت می توانیم به توافق برسیم ولی حداقل مسیر شروع شده است. امیدواریم هر چه زودتر این کار انجام شود و آمادگی داریم برای آن وقت کافی بگذاریم ولی وقتی به تدوین متن می رسد، کار یک مقدار مشکل تر و ریزتر می شود».

وزیر امور خارجه ایران همچنین گفت: «پیشرفت خوبی نسبت به جلسه گذشته صورت گرفت و الان مسیر روشنی پیش رو داریم که به نظر مثبت است». وی افزود: «زمان مشخصی تعیین نشد و قرار شد، دو طرف روی متن های یک توافق احتمالی کار انجام دهند و بعد ما این متن ها را تبادل کنیم و بعد از آن تاریخ دیگری را برای دور سوم در نظر بگیریم». عراقچی درباره چارچوب مذاکرات نیز تصریح کرد: «نقشه راه به آن معنا نیست ولی الان تصویر روشن تری داریم که چه کاری باید صورت بگیرد و چه کاری در ادامه مسیر باید انجام شود. البته هنوز دو طرف موضعی دارند که نزدیک شدن به همدیگر کار می برد ولی حداقل الان یک سری اصول راهنما و راه روشن تری داریم که در آن مسیر حرکت کنیم».

مسعود پزشکیان رئیس جمهور نیز گفت: مذاکرات با هماهنگی کامل و مجوز رهبری در حال انجام است و هدف ما حل واقعی مسائل است، نه گفت وگو برای گفت وگو. ما به طور جدی [در مذاکرات] به دنبال دستیابی به نتیجه هستیم و امیدواریم این روند به نتایج ملموس منتهی شود.

همچنین بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان نیز بیان کرد: مذاکرات غیرمستقیم امروز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات

متحده آمریکا در ژنو با پیشرفت خوب در جهت شناسایی اهداف مشترک و مسائل فنی مرتبط به پایان رسید. فضای نشست ها سازنده بود.

ما با همکاری یکدیگر تلاش های جدی برای تعیین مجموعه ای از اصول راهنما برای یک توافق نهایی انجام دادیم. نقش مدیرکل آژانس بسیار مورد قدردانی قرار گرفت.

هنوز کار زیادی باقی مانده است و طرف ها با گام های بعدی مشخص، پیش از نشست بعدی، محل مذاکرات را ترک کردند.

در مجموع، دومین دور مذاکرات ژنو را می توان مرحله ای مهم در روند گفت وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن دانست؛ مرحله ای که اگرچه هنوز به نتیجه و توافق مشخصی منجر نشده اما به نظر می رسد مسیر گفت وگو را روشن تر کرده و زمینه را برای ادامه مذاکرات در دوره های بعدی فراهم آورده تا همچنان دیپلماسی بر تخصص ترجیح داده شود.

آسیا

دیپلماسی قایق های توپدار

روایت دستیار بوتین

از رزمایش ایران، روسیه و چین

دستیار ارشد رئیس جمهور روسیه از تهدیدهای اخیر واشنگتن علیه ایران با گسیل ناوگرویی به غرب آسیا در عین ابراز تمایل به دیپلماسی با تهران انتقاد کرد. او همچنین گفت که اتحادیه اروپا سعی در محاصره دریایی روسیه دارد و ناتو در تدارک عملیات های تهاجمی علیه این کشور در حوزه بالتیک است. «نیکولای پاتروشف» دستیار رئیس جمهور روسیه و رئیس شورای دریایی این کشور گفت که تحولات پیرامون ونزوئلا و ایران نشان دهنده بازگشت «دیپلماسی قایق های توپدار» است اما هژمونی غرب در دریا تا حد زیادی به گذشته پیوسته است. پاتروشف در گفت وگویی با پایگاه خبری aif.ru بیان کرد: «وقایع نشان می دهد که دریا بار دیگر به سکوی پرشی برای تجاوز نظامی تبدیل می شود. رویه قدیمی دیپلماسی قایق های توپدار در حال بازگشت است که تحولات ونزوئلا یا رویدادهای پیرامون ایران گواه آن است». پاتروشف همچنین اعلام کرد که روسیه، ایران، چین کشتی های نیروی دریایی خود را برای انجام رزمایش در تنگه هرمز اعزام کرده اند. این رزمایش تحت عنوان «منطقه امنیت دریایی ۲۰۲۶» برگزار می شود. همچنین گزارش ها حاکی از آن است که اواخر فوریه هم هشتمین دور از مانورهای ایران، روسیه و چین در شمال اقیانوس هند برگزار خواهد شد. هدف از این رزمایش ها، افزایش امنیت تجارت دریایی جهانی اعلام شده است. پاتروشف در بخش دیگری از این گفت وگو درباره رزمایش دریایی «اراده برای صلح ۲۰۲۶» با شرکت روسیه، چین، ایران، امارات متحده عربی و آفریقای جنوبی در ماه ژانویه گفت: «در ماه ژانویه اولین رزمایش دریایی بریکس با عنوان اراده برای صلح ۲۰۲۶ در اقیانوس اطلس جنوبی به طور موفقیت آمیز برگزار شد. نیروی دریایی این کشورها همکاری در حفاظت از مسیرهای تجاری را تمرین کردند که این مسیرها در حال حاضر به طور فزاینده ای ازجمله در برابر دزدی دریایی غربی آسیب پذیر شده اند». پاتروشف تأکید کرد که نیروی دریایی روسیه باید همواره توانمندی های قابل توجهی را در مناطق مهم دریایی مستقر نگه دارد تا رفتار کشورهای غربی را تعدیل کند





سال نهم شماره ۲۱۸۶
چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴

کافه

تازه‌های ادب و هنر

یاد

رمان‌نویس اشراقی

جهان آرمانی و سبک روایی **غزاله علیزاده**

۲۷ بهمن، زادروز زنی بود که ادبیات ایران را با «سیلی» رفتنش شوکه و غافل‌گیر کرد؛ فاطمه (غزاله) علیزاده. او که در مشهد زاده شد و در مه غلیظ جواهرده به ابدیت پیوست، نویسنده‌ای بود که میان بندهای خشک حقوق دانشگاه تهران و اشراق پرنیایی سورین، دومی را برگزید تا راوی نوری باشد که از پس شکاف دیوارهای کهن می‌تابد. علیزاده در آشارش، به‌ویژه در «خانه ادریسی‌ها»، مرثیه‌سرای شکوهی در حال احتضار و در تقابل با طوفان‌های زمانه است. او با نثری که بیشتر به مینیاتورهای ظریف می‌ماند تا جملات ساده، دنیایی نیمه‌رویایی بنا کرد. آثاری چون «شسب‌های تهران»، «دو منظره» و مجموعه‌داستان «چهارراه»، آینه تمام‌نمای نسلی آرمان‌خواه بود که واژه‌هایی چون «عدالت» و «تجلی» برایشان تقدس داشت. علیزاده سه سال پس از مرگ خودخواسته‌اش، جایزهٔ ۲۰ سال داستان‌نویسی ایران را دریافت کرد تا ثابت شود که صدای او، تازه پس از خاموشی، طنین واقعی‌اش را یافته است. او نویسنده‌ای «صاحب‌سبک» بود که زنان را از قالب‌های کلیشه‌ای خارج کرد و به آن‌ها هویت، خودآگاهی و حتی «شرارتی آگاهانه» بخشید. درک جهان علیزاده، نیازمند نگاهی است که هم ظرافت‌های شاعرانه را بشناسد و هم به ابزارهای نقد مدرن مسلح باشد. ترگس باقری، شاعر، منتقد ادبی و استادیار دانشگاه، که در آثاری چون «زنان در داستان‌های کوتاه معاصر»، به کالبدشکافی زیست‌زنانه در متن پرداخته، در گفت‌وگو با ایننا در مورد بی‌مهری نسبت به آثار غزاله علیزاده در زمان حیاتش می‌گوید: «اگر به نوشته‌ها و مطالبی که از نویسندگان و دوستان غزاله منتشر شده‌است، سری بزنید می‌بینید که همهٔ آثار متفق‌القول هستند که در مورد آثار او بی‌توجهی شده و نتوانسته‌اند حق مطلب را ادا کنند»، خودش هم نوشته است: «امروز که از اداره آمد نظام (همسرش) گفت حسن گفته‌است چیزی برای غزاله ننوشتند، بهتر است خودمان بنویسیم، از این قضیه مهی از حقارت روی سرم نشست... گفتم که فکر کنیم این نوعی افتخار است برای من که در این مملکت دو کتاب منتشر کردم و یک کلمه هم درباره‌اش ننوشتند.»

دیالکتیک زن اثیری و زن زمینی

باقری دربارهٔ شخصیت‌های زن آثار غزاله علیزاده می‌گوید: «اگر زن اثیری، آسمانی، پاک و دست‌نیافتنی، نماد مادر مثالی در وجه مثبت باشد یعنی دارای ویژگی‌هایی مثل مظهر حیات بودن، گرما، پرورش و فراوانی، در آثار علیزاده می‌توان چنین شخصیت‌هایی را مشاهده‌کرد مثل رحیلا در «خانهٔ ادریسی‌ها» که از فرشته‌بودن تنها دو بال کم دارد یا لوبا که در وصفش آمده است: «خلقتش از آب و گل نبود»، از سویی دیگر زنانی داریم که در وجه منفی کهن‌الگو قرار دارند یعنی ویژگی‌هایی مانند جادوگری، نابودگری، ترس، تاریکی و مرگ دارند مانند رتنا که «پیش از قدم نحص او آبرو داشتیم، آن آتشپاره که آمد، رسوا شدیم» یا رکسانا که دربارهٔ او آمده «از نوع آن زن‌هایی است که مرا به وحشت می‌اندازد.» علاوه بر این دو گونه، شخصیت‌هایی داریم که تلفیقی از این دو وجه هستند مانند آسیه در «شسب‌های تهران» که در وصفش آمده: «در روح او فرشته و شیطان عجین شده‌بودند.» در آثار غزاله علیزاده مانند صادق هدایت، تنها زن اثیری و زن زمینی (لکاته) دیده نمی‌شود بلکه گاهی این دوگانگی در یک شخصیت جمع می‌شود. هم‌چنین زنان تنها ابزارهای نگاه مردانه نیستند، آن‌ها خودشان از این دوگانگی رنج می‌برند و به آن آگاه هستند. مثلاً رکسانا می‌گوید: «اغلب سقوط کردم، دختری که می‌شناختم و توی آینه می‌دیدمش در رختکن‌های چوبی جا مانده.» این خودآگاهی ارزشمند است. اما در کل خلق تصاویر یک‌سویه فرشته /شیطان، دور از واقعیت است، این نگاه امکان دیدن زنان عادی با ویژگی‌های انسانی را از مخاطب می‌گیرد و همین‌طور تأکید بر اسرارآمیز بودن موجب می‌شود که زنان را ناشناخته قلمداد کنیم که در این صورت باز هم شناخت واقعی مختل می‌شود و بر شناخت و درک درست روابط مثبت میان زن و مرد تأثیر منفی دارد.»

این منتقد در ادامه دربارهٔ مفهوم «خانه» و «امنیت از دست‌رفته» در آثار علیزاده، می‌گوید: «در «خانهٔ ادریسی‌ها»، خانه فقط مکان داستان نیست و از منظرهای مختلف می‌توان به آن نگاه‌کرد و لایه‌های معنایی



آن را تفسیرکرد. باشلار در «زیبایی‌شناسی فضا» خانه را نخستین جهان انسان و پناهگاه رویاها می‌داند اما برای شخصیت‌های داستان این خانه پناهگاهی آرامش‌بخش نیست. اگر رویاها تحقق نیافته باشند، خانه تبدیل به زندان می‌شود، برای همین است که شخصیت وهاب در این خانه مدام کابوس و ملال را تجربه‌می‌کند. یا اتاق رحیلا، مکان غیاب است. نثر علیزاده فضایی نیمه‌رویایی را برای انتقال حس غربت، حسرت و تعلیق ایجاد می‌کند. هم‌چنین جزئیات تنها برای بازنمایی واقعیت عینی نیست و مکانیسم‌های جابه‌جایی، ادغام و خیال‌های نهفته است. غزاله در گفت‌وگوهایش می‌گوید جهان واقعی بیرونی را دوست ندارد و با نوشتن سعی می‌کند دنیای آرمانی خودش را بسازد و به جهان آشفته نظم بدهد. در چنین فضایی واژه‌ها دلالت ثابت ندارند و امکان تأویل‌های گوناگون فراهم می‌شود. نثر شاعرانهٔ او کمک می‌کند که از منطق خشک و روایتی رئالیستی فاصله بگیرد و به رویا، خیال و جهان آرمانی‌اش نزدیک شود.»

در جست‌وجوی نور

ترگس باقری در ادامه دربارهٔ مختصات جهان آرمانی غزاله علیزاده می‌گوید: «منیر سیدی –مادر غزاله- می‌گوید: در فرانسه می‌گفتند باید رشته حقوق سیاسی را ادامه دهد اما او پیش را در یک کشش کرده‌بود که فلسفه اشراق بخواند، سرانجام رئیس کرسی فلسفه اشراق اسلامی غزاله را برای تحقیق در مورد فلسفه مولا تا پذیرفت. در همین نقل قول می‌توان این نسبت را دید، وقتی کسی در پاریس که شهری مدرن است زندگی می‌کند اما به فلسفه اشراق علاقه دارد می‌تواند شخصیت‌هایی خلق کند که برآمده از همین تجربهٔ زیسته و باورهای او باشند. او در مصاحبه با ماهنامهٔ «گردون» می‌گوید: «ما نسلی بودیم آرمان‌خواه. به رستگاری اعتقاد داشتیم... ما واژه‌های مقدس داشتیم: آزادی، وطن، عدالت، فرهنگ، زیبایی و تجلی. تکان هر برگ بر شاخه، معنای نهفته‌ای داشت.» بنابراین جهان برای او لایه‌های پنهان و معنای نهفته دارد. در یادداشتی که قبل از مرگ خودخواسته‌اش می‌گذارد نیز می‌نویسد: «دیگر حوصله ندارم، چقدر کلید در قفل بچرخانم و قدم بگذارم به خانه تاریک. من غلام خانه‌های روشنم.» این تقابل نور و تاریکی از همان فلسفهٔ اشراق می‌آید. انکار که تمام عمر در جست‌وجوی همان نوری بوده است که سهروردی از آن سخن می‌گوید. شخصیت‌های داستان‌های او نیز همواره در جست‌وجوی چیزی هستند، وهاب در اتاق رحیلا به دنبال معنا و امنیت گمشده است، لقا به دنبال رهای و خانم ادریسی به دنبال رستگاری است.»



فرماندهی فرهنگی

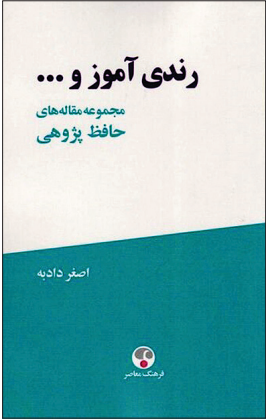
به احترام **اصغر دادبه** آن ادیبِ فلسفه‌دان که درگیر بیماری دشواری شده است

«حافظهٔ بسیار قوی او باعث شده است که نقاوه‌ای از اشعار نغز فارسی را به خاطر داشته باشد و در خطابه‌های خود به‌جا و به‌سزا از آن‌ها استفاده کنند. دادبه، مردی است مدیر و مدبر که می‌تواند برنامه‌ریزی داشته باشد و گروهی را رهبری کند. به قول سعدی «فَر فرماندهی» دارد. اگر کاری را از او بخواهد تا جایی که بتواند از نفوذ خود در یاران استفاده کرده و آن را به سامان می‌رساند.»

این شاکرد برحق مهدی حمیدی شیرازی، احمد مهدوی دامغانی، امیرحسن یزدگردی، جواد مصلح، غلام‌حسین صدیقی، ابوالحسن جلیلی و امیرحسین آریان‌پور البتّه ربع قرن می‌شود که بخش ادبیات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را هم اداره می‌کند؛ از آغاز تابستان ۱۳۷۸ تا امروز، با کارنامه‌ای مشحون از ۶۹ تألیف مدخل و ۴۱۹ ویرایش مقاله؛ ازجمله «تَجَسُّم اَعْمَال»، «تَجْرِید»، «تَخْییل»، «اَنوَری»، «بَهاریه»، «بوستان»، «بِرَاعَت اِسْتِهْلال»، «باطنیه»، «حُسْن تَغْلِیل»، «بازگشت آذینی»، «ابهام»، «ایجاز و اِطناب»، «اِذراک»، و «خُشرو و شیرین». آخرین سخنرانی‌اش را هم در همین مرکز ایراد کرد؛ شب سیدفتح‌الله مجتباتی، سه‌شنبه، ۱۸ آذر امسال.

مقالات رندانه

او که پنج‌سال پیش، کتابخانهٔ شخصی‌اش مشتمل بر ۸۸۳ جلد کتاب و ۱۱۳ عنوان مجلهٔ در زمینه‌های ادبیات و فلسفهٔ اسلامی را به این مؤسسه اهدا کرد و اکنون به نام خود او و به‌صورت جداگانه نگهداری می‌شود، آثاری چون «کلیات فلسفه» و «فخر رازی» را نگاهشته، «الحکمه العرشیهٔ» ملاصدرا و «کلیات نجیب کاشانی» را تصحیح کرده، «دیوان ظهیر فاریابی» و «حواصل و بویتما» امیرحسن یزدگردی و «حافظ (زندگی و اندیشه)؛ (مجموعهٔ مقالات)» را فراهم آورده است و «فرهنگ اصطلاحات کلامی»، «رسالهٔ منطق هنر شهر» و «شناخت‌شناسی در فلسفهٔ



سینمای ایران

ابهام در اکران

برنامه سینماها در نوروز ۱۴۰۵ هنوز مشخص نیست

تهیه‌کننده فیلم خانم والده در ادامه گفت: «هیچ چیزی نمی‌شود گفت. البته کارمان را تعطیل نکرده‌ایم و بچه‌ها کارشان را انجام می‌دهند. اما خب شرایط عجیب و غریبی است.»

او که در سال‌های اخیر تهیه‌کننده جمعی از پر فروش‌ترین کمدهای سینمایی بوده نیز با بیان اینکه ممکن است تغییریاتی



طی روزهای گذشته خبری در رسانه‌های رسمی در ارتباط با نوبت اکران فیلم‌های نوروزی سینما در سال ۱۴۰۵ منتشر شد. براساس این خبر سه فیلم «استخر»، «نیم‌شب» و «خانم‌والده» از شناس‌های اصلی اکران عید سال جدید هستند. خبری که البته مهدی کرپور، دبیر شورای صنفی نمایش، روز گذشته آن را تکذیب کرد.

وضعیت سینما

اما قبل از آنکه مهدی کرپور که احتمالاً بعد از انتشار خبر اکران نوروزی، مورد هجوم تلفن خبرنگاران و دست‌اندرکاران فیلم‌ها قرار گرفته، آن را تکذیب کند، با ابراهیم عامریان تهیه‌کننده فیلم «خانم‌والده» تماس گرفتیم تا بدانیم آیا درخواستی برای دریافت اکران نوروزی داشته است یا خیر؟ تهیه‌کننده فیلم‌هایی چون مجموعه تگراس، فسیل و مرد عینکی که این‌روزها برای حضور در جشنواره برلین به آلمان سفر کرده، در این ارتباط گفت: «واقعیت‌اش این است که درحال حاضر هیچ فیلمی برای اکران نداریم.»

او در ادامه افزود: «فیلم خانم‌والده هنوز آماده نیست و به همین خاطر ما برای اکران نوروز نه درخواستی داشتیم و نه کسی از ما خواسته است که درخواست بدهیم.»

این تهیه‌کننده ضمن اعلام اینکه در حال حاضر هیچ کاری در دست تولید ندارد، افزود: «ما امسال فیلم کفایت مذاکرات را داریم که تا آخر سال روی پرده است و برای سال بعد هم باید برنامه‌ریزی کنیم.»

عامریان همچنین در ارتباط با آینده کاری در سینما گفت: «الان شرایطی نیست که کسی بتواند پیش‌بینی درستی از آینده داشته باشد. تا به حال در چنین شرایطی نبودیم و ما سینماگران هم مثل بقیه مردم هستیم و باید منتظر ماند و دید چه اتفاقی می‌افتد.»



دل‌م‌برایش تنگ می‌شود

ادای احترام آل‌پاچینو و رابرت دنیرو و دیگران به رابرت دووال

و نیز برای بازی در نقش سرهنگ دوم کیلگور در حماسه جنگ و پنتام «اینک آخرالزمان» نامزد اسکار شد. فیلمی که بار دیگر او را با کوپولا همراه کرد و جمله معروفش «من عاشق بوی ناپالم در صبح هستم» به یکی از نقل‌قول‌های ماندگار تاریخ سینما بدل شد.

دووال در سال ۱۹۹۰ در «پدرخوانده: قسمت سوم» حضور نیافت، تصمیمی که به‌دلیل اختلاف مالی با کوپولا گرفته شد. او بعدها به باب کوستاس گفت که آل‌پاچینو قرار بود پنج برابر دستمزدی که به او پیشنهاد شده بود، دریافت کند. موضوعی که از نظرش کاملاً غیرقابل قبول بود. او در گفت‌وگویی دیگر با لری کینگ، این تصمیم را مسئله‌ای اصولی توصیف کرد.

نقش‌آفرینی در وسترن‌های دیگر نیز بخشی از کارنامه او بود. از جمله فیلم «دشت باز» در کنار کاستر و نقش‌اش در مینی‌سریال «مسیر شکسته» که برایش جایزه امی به همراه داشت. دووال به فیلم‌سازی نیز روی آورد. او نویسنده‌ی کارگردانی و بازی در فیلم «حواری» (۱۹۹۷) را بر عهده داشت که داستان واغظی پریشان‌حال را روایت می‌کرد. پس از آن، فیلم‌های «تانگوی ترور» و «اسب‌های وحشی» را نیز کارگردانی کرد و برای بازی در «حواری» بار دیگر نامزد جایزه اسکار شد. او تا دهه ۲۰۱۰ همچنان فعال ماند و آخرین نامزدی اسکارش را در ۸۴ سالگی برای فیلم «قاضی» (۲۰۱۴) به‌دست آورد. از دیگر فیلم‌های متأخرش می‌توان به «جک ریچر» و «بیوها» اشاره کرد. دووال در طول دوران حرفه‌ای‌اش نقش چندین شخصیت تاریخی را نیز بازی کرد، ازجمله رابرت ای. لی در «خدایان و ژنرال‌ها»، ژوزف استالین در فیلم تلویزیونی «استالین»، و جنایتکار نازی آدولف آیشمن در فیلم «مردی که آیشمن را دستگیر کرد». او چهار بار ازدواج کرد و آخرین ازدواجش با بازیگر و کارگردان آرژانتینی، لوسیانادرآزا بود. در سال ۲۰۰۴، در دوران ریاست‌جمهوری بوش، نشان ملی هنر به او اهدا شد. در پایان، نماینده دووال اعلام کرد که مراسم رسمی یادبودی برگزار نخواهد شد. خانواده او از علاقه‌مندان خواستارند برای گرامی‌داشت یادش، «فیلمی خوب تماشاکند، دور یک میز با دوستان داستانی تعریف کنند، یا به دل طبیعت بزنند و زیبایی جهان را قدر بدانند».

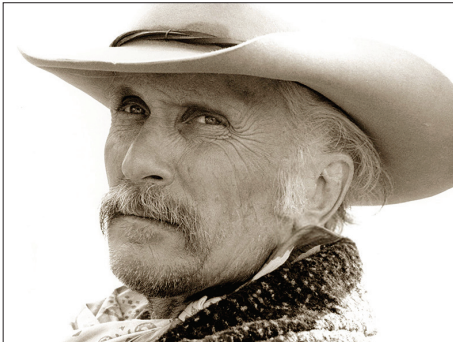
هالیوود در سوگ

درگذشت رابرت دووال با واکنش گسترده و احساسی چهره‌های هالیوود روبه‌رو شد. واکنش‌هایی که او را «غولی در بازیگری» و «یکی از بزرگ‌ترین بازیگران تاریخ سینما» توصیف می‌کنند. او در طول بیش از شش دهه فعالیت هنری، هفت بار نامزد جایزه اسکار شد و در سال ۱۹۸۴ میلادی برای بازی در فیلم مهربانی‌های لطیف جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد.

در میان واکنش‌ها آل‌پاچینو، هم‌بازی دووال در «پدرخوانده» گفت: «موهبت شگفت‌انگیز او همیشه به یاد خواهد ماند». و او در پیامی دیگر گفت: «او ذاتاً بازیگر بود. فهم عمیق‌اش از بازیگری و استعداد خارق‌العاده‌اش همیشه در یادها می‌ماند. دل‌م‌برایش تنگ خواهد شد».

آدام سندلر با انتشار عکس‌هایی از همکاری‌شان در فیلم «زرنگ‌بازی» (۲۰۲۲) نوشت: «بی‌نهایت بامزه. بی‌نهایت قدرتمند. یکی از بزرگ‌ترین بازیگرانی که تا به‌حال داشته‌ایم. هم‌صحبتی و خندیدن با او لذت محض بود».

رابرت دنیرو، هم‌بازی او در «پدرخوانده: قسمت دوم»، گفت: «خدا نگهدار بابی. امیدوارم من هم تا ۹۵ سالگی زندگی کنم، روحش شاد».



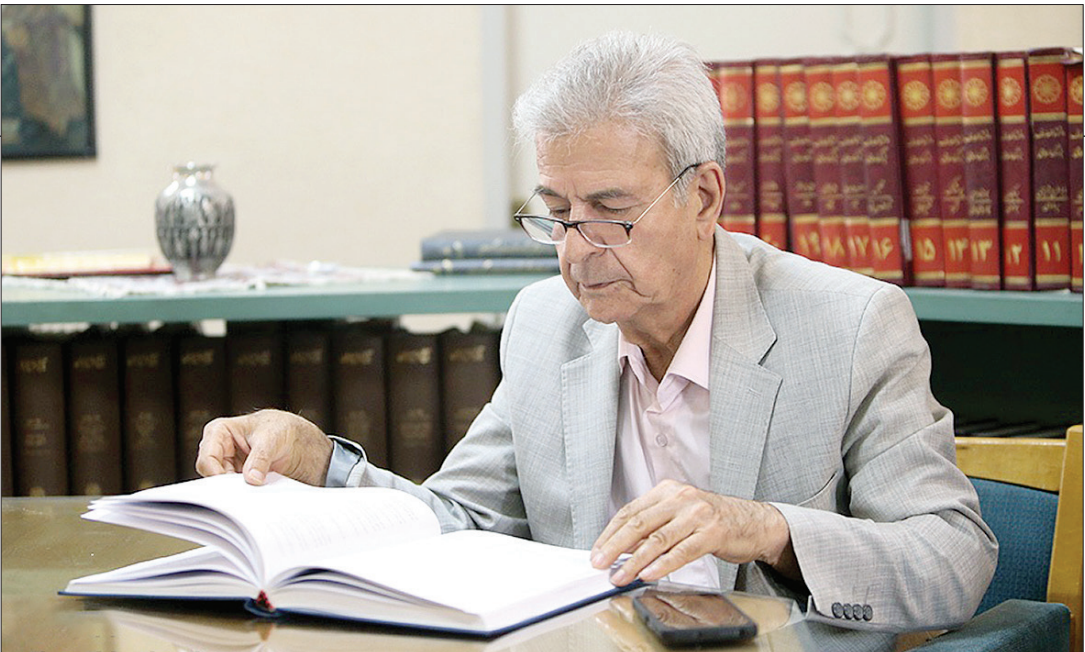
رابرت دووال، بازیگر برنده جایزه اسکار که بیش از همه با فیلم‌های «پدرخوانده»، «اینک آخرالزمان» و مجموعه‌ای از نقش‌های مردان سخت‌جان در کارنامه‌ای تحسین‌شده که شش دهه به طول انجامید شناخته می‌شد، درگذشت. او ۹۵ سال داشت.

به نقل از بیانیه‌ای که از سوی دفتر روابط عمومی او به نمایندگی از همسرش، لوسیانا، منتشر شد، رابرت دووال روز یک‌شنبه در خانه‌اش در شهر میدلبرگ ایالت ویرجینیا در آرامش، چشم از جهان فرو بست.

دووال بیادماندنی‌ترین نقش خود را به‌عنوان مشاور ارشد خانواده کورلونه در فیلم «پدرخوانده» به کارگردانی فرانسیس فورد کوپولا ایفا کرد. نقشی که نخستین نامزدی از مجموع هفت نامزدی جایزه اسکار را برای او به ارمغان آورد. او دو سال بعد، بار دیگر همین نقش را در «پدرخوانده: قسمت دوم» تکرار کرد. دووال در شهر سن‌دیگو در ایالت کالیفرنیا به دنیا آمد. پدرش افسر نیروی دریایی بود و همین پیشینه باعث شد او در طول دوران بازیگری‌اش نقش‌های متنوعی از گاوچران‌ها گرفته تا نظامیان را ایفا کند. او در کالج پرینسیپیا در ایالت ایلینوی تحصیل و در دوران جنگ کسره در ارتش آمریکا خدمت کرد. پس از آن به نیویورک رفت و زیر نظر استاد برجسته بازیگری، سفورد مایز، به تحصیل هنر نمایش پرداخت. در همان سال‌ها، با داستین هافمن هم‌خانه بود و با جین هکمن، بازیگر جوان دیگری که بعدها به موفقیت بزرگی رسید، رفت‌وآمد داشت. جین هکمن سال گذشته درگذشت.

دووال پس از حضور در چندین نمایش صحنه‌ای، در سال ۱۹۶۲ با ایفای نقش کوتاه اما کلیدی آرتور بو زدلی در نسخه سینمایی «کشتن مرغ مقلد» به سینما معرفی شد. پس از آن، نقش‌های سینمایی متعددی به او پیشنهاد شد؛ ازجمله نقش منفی در مقابل جان وین در فیلم «شهامت واقعی»، تنها نقشی که جان وین برایش جایزه اسکار گرفت، نقش سرگرد «فرانک برنز» در فیلم «مش» به کارگردانی رابرت آلتمن، و نقش اصلی در نخستین فیلم بلند علمی-تخیلی و پادآرمان‌شهری جورج لوکاس با عنوان «تی‌اچ‌اِکس ۱۱۳۸» (۱۹۷۱)، که در آن همه بازیگران، سرهای تراشیده داشتند. این فیلم یک سال پیش از «پدرخوانده» اکران شد و بازی دووال در نقش تام‌هاکن، وکیل خانواده کورلونه، او را به سطح تازه‌ای از شهرت رساند. پس از آن، او بی‌وقفه کار کرد، از بازی در نقش مدیر شبکه تلویزیونی در فیلم «شبکه» گرفته تا حضور در تلویزیون با مینی‌سریال بسیار موفق «کبوتر تنها». دووال برای بازی در نقش یک خواننده موسیقی کانتری در فیلم «بخشش‌های محبت‌آمیز» (۱۹۸۳) جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد. فیلمی که در آن، خودش آوازها را نیز اجرا کرد.

او همچنین برای نقش یک افسر تفنگداران دریایی که با خانواده‌اش در تعارض است، در فیلم «سانتینی بزرگ»،



البه علیرضالو/ ایکنا

حسن ختام فرازی از سخنرانی اوست در خانه کتاب دِبا (کتاب‌فروشی مرکز‌دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی) به‌مناسبت روز شعر و ادب فارسی در ۲۷ شهریور ۱۴۰۳؛ «گفته‌ی حافظ شیرازی که «عدو چو تیغ کشید، من سپهر بیندازم/ که تیغ ما به جز از ناله‌ای و آهی نیست// مباحث در پی آزار و هر چه خواهی کن/ که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست» نشان از صلح‌طلبی مردم ایران و این همان مکتب اخلاقی ماست. می‌کوشم به این پرسش پاسخ دهم که زبان و ادب فارسی چه هنری دارد و برای ما چه می‌کند: نخست آن‌که فرهنگ می‌سازد. این مهم را از نظر دور ندارید که تمدن جوانب عینی زیست ماست اما فرهنگ جوانب اخلاقی و رفتاری و نظری و خرد و اخلاقی و آموزش است و ازهمین‌رو جهان امروز گرفتار تمدن بی‌فرهنگ است که اگر فرهنگ بود این همه انسان کشته نمی‌شد که به استناد سعدی شیرازی «علم آدمیت است و جوانمردی و ادب/ ورنه ددی به صورت انسان مصوری». پس نخستین اثر و تأثیر ادبیات فارسی، فرهنگ‌سازی است و حذف آن‌ها از کتب درسی خیانت است که به قول فردوسی توسی: «ز دانا پرسید پس دادگر/ که فرهنگ بهتر بود یا گهر// چنین داد پاسخ بدو رهنمون/ که فرهنگ باشد ز گوهر فزون// که فرهنگ آرایش جان بود/ ز گوهر سخن گفتن آسان بود». کار دوم ادبیات ما هویت‌سازی، چه فردی و ملی است. هویت ملی مثل ماذاهای است که مبهم است و ادب ملی با چنین پشتوانه‌ای مثل صورتی است که بر آن عارض می‌شود. زبان ملی مهم است و حمله‌هایی که به زبان ما می‌شود به‌همین سبب است، چنان‌که شهاب‌الدین سهروردی که جان بر سر راه ایران نهاد گفت اصل اشیا همان صورت است پس اهل هویت ملی، زبان ملی است و جوانان باید بدانند که جز آستان ایران، پناهی نداریم.»

رویای اکران پر رونق

به نظر می‌رسد که انتشار نام تعدادی از فیلم‌های مطرح سینمای ایران در سال گذشته برای اکران نوروزی پیشتر رویایی باشد که شورای صنفی و سینماگران برای رونق گیشه در یکی از مهمترین بخش‌های اکران سال داشته باشند اما آنچه در عمل مشخص است نوعی رخوت و انتظار از سوی صاحبان اثر است.

یکی از تهیه‌کنندگان سینما در این مورد به سازندگی گفت: «متأسفانه تولید که هیچ، همه کارهایمان تعطیل شده است». او با بیان اینکه چنین تعطیلی ضررهای مالی هنگفت و جبران‌ناپذیری دارد، افزود: «غم‌انگیز بودن ماجرا اینجاست که همه دارند کار می‌کنند و فقط ما اجازه کار نداریم». اشاره او به مشاغل دیگری است که در حال حاضر فعالیت‌شان را به‌طور مستمر انجام می‌دهند: «جالب است که حتی پلتفرم‌ها دارند کارهایشان را می‌سازند و پخش می‌کنند اما نوبت به سینما که می‌شود، ماجرا فرق می‌کند. چرا سینماگران برای کار کردن باید فحش بخورند». واقعیت این است که در هفته‌های اخیر برخی از سریال‌های مطرح پلتفرم‌های مختلف اقدام به انتشار فصل‌ها و قسمت‌های تازه کرده‌اند اما آن‌طور که از تولیدات سینمایی خبر می‌رسد، وضعیت متفاوت است. با وجود آن‌که نهادهای مختلف دست‌اندرکار سعی دارند فضا را به حالت طبیعی بازگردانده و بتوانند سینما را از مسیر تعطیلی و رکورد خارج کنند، اما به‌نظر می‌رسد مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی بیش از هر بخشی در فرهنگ، تولیدات و اکران‌های سینمایی را تحت‌تأثیر قرار داده است. این در حالی‌است که در سال‌های اخیر سینما بیش از هر زمان دیگری با بحران مخاطب مواجه بوده است آنهم در شرایطی که تعداد و کیفیت سالن‌های سینما و حجم و تنوع آثار به‌طرز چشمگیری افزایش یافته‌اند. اما شاید مخاطبان از راه‌های مختلف بتوانند به تولیدات پلتفرم‌ها دسترسی پیدا کنند اما برای رفتن به سینما، به‌عنوان یک ضیافت فرهنگی چیزی فراتر از وقت فراغت نیاز است. با این وجود به‌نظر می‌رسد سینمای ایران در یک نقطه دشوار قرار گرفته باشد و جشنواره فیلم فجر چهل‌وپچهارم می‌تواند مصداق ضرب‌المثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» شود. جشنواره فیلم فجر که همواره ویرترین یک‌سال سینمای ایران است، در این دوره یکی از سخت‌ترین و ضعیف‌ترین ادوارش را سپری کرد و این خود می‌تواند آینه‌ای باشد که چهره سینمای ایران در سال آینده را بازتاب می‌دهد.

اسلامی» را آماده چاپ دارد، همین‌روزهای پیش از بیماری، کتاب «رندی آموز و... مجموعه مقاله‌های حافظ‌پژوهی» را از سوی انتشارات فرهنگ معاصر، در ۶۱۸ صفحه و با بهای ۸۰۰ هزار تومان بیرون داد تا معلوم‌مان شود او لحظه‌ای از غور و غوص بازمانده بود و ایستایی برایش معنایی نداشت و حتی آخرین مقاله منتشرشده‌اش هم، بهار امسال با عنوان «نگاه شاعرانه سعدی به مسئله جبر و اختیار» در شماره ۳۱ مجله «سعدی‌شناسی» به طبع رسید.

این ادیب یزدی در بخشی از همین کتاب تازه‌اش نوشته است: «آشنایی من با شعر حافظ حدود چهار - پنج سالگی آغاز شد. نخست، در پرتو زمزمه‌های گاه‌گاهی پدرم و زمزمه‌های بیش از گاه‌گاهی پدربزرگم. هر دو غالباً اشعاری را زمزمه می‌کردند که بعدها دانستم اشعار حافظ است. آن روزها خانه‌ها، حتی خانه‌های به‌تعبیر امروز- طبقه متوسط خانه‌های نسبتاً بزرگی بود با حیاط‌های پالتسبه وسیع که غالباً در میان آن‌ها باغچه‌ای قرار داشت. حدود یک متر یا اندکی بیش‌تر پایین‌تر از سطح حیاط. از حیاط به «رو-خونه» Roo- khoona)) تعبیر می‌شد در برابر «تو-خونه» Too- khoona))».

در میان اخبار بد امسال که انگار قرار نیست تمامی داشته باشد، حالا تازه‌ترش‌اش، همین خبر بیماری او بود که مثل پتک بر سرمان فرود آمد. اما نوری در دل‌مان گواهی می‌دهد و هنوز سوسو می‌زند که او این مرضی لعنتی را در هم می‌شکند و به هم می‌کوبد، از بستر برخواید خاست، همه ما را خواهد شنناخت، دوباره قلم به دست می‌گیرد و سخنرانی می‌کند و چنان گذشته، و چنان همیشه، پرشوروشر از زبان فارسی و ایران می‌گوید. دل‌مان خوش است که دوباره برایمان غزلی از حافظ می‌خواند و تفسیر و تحلیل می‌کند، و چه‌کسی برتر و بهتر از او.

در سبک کاری‌اش بدهد گفت: «ما کماکان برای مخاطب فیلم می‌سازیم اما شاید از این به‌بعد پیشتر در زمینه اجتماعی فیلم بسازیم».

محمدحسین شایسته، تهیه‌کننده فیلم استخر هم در گفت‌وگو با سازندگی حضور این فیلم در جمع فیلم‌های اکران نوروزی را تکذیب کرد. شایسته در این ارتباط گفت: «هیچ برنامه و درخواستی برای اکران نوروزی نداشته‌ایم».

این در حالی است که از دفتر سازندگان فیلم «نیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی حبیب‌الله والی‌نژاد هنوز درخواستی را برای دریافت اکران نوروز ۱۴۰۵ به شورای صنفی نمایش نداده است. با این وجود و در حالی که مهدی کرپور دبیر شورای صنفی نمایش نیز ماجرا را تکذیب کرد، معلوم نیست منشأ این خبر کجاست و چرا چنین خبری را منتشر کرده است؟



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

کبوتر با باز

ازدواج‌های هم‌طبقه‌ای چگونه فقر و نابرابری را موروثی می‌کنند؟

مهتا معرفت

نویسنده در هفته‌نامه تجارت‌نفردا

در میان مردم این باور رایج است که هر فرد بهتر است با فردی از طبقه و جایگاه اجتماعی هم‌تراز خود ازدواج کند. ضرب‌المثل «کبوتر با کبوتر، باز با باز» بازتاب همین گرایش فرهنگی است و بر هم‌کفو بودن اقتصادی و اجتماعی افراد تأکید دارد. با این حال، مطالعات جدید اقتصاددانان نشان می‌دهد که تداوم چنین الگویی برای همسرگزینی می‌تواند به موروثی شدن فقر در خانواده‌های کم‌درآمد بینجامد. وقتی ازدواج‌ها عمدتاً درون یک طبقه اقتصادی صورت می‌گیرد، منابع، فرصت‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز در همان محدوده باقی می‌ماند و شکاف میان طبقات بازتولید می‌شود. در مقابل، اگر دختران یا پسران خانواده‌های کم‌درآمد بتوانند با افرادی از طبقات پرخوردارتر ازدواج کنند، احتمال جابه‌جایی اقتصادی و بهبود موقعیت نسل بعد افزایش می‌یابد.

در جامعه ایران نیز گرایش به ازدواج هم‌طبقه‌ای بسیار پررنگ است. در شرایطی که شکاف درآمدی، بیکاری جوانان و نابرابری دسترسی به آموزش باکیفیت وجود دارد، تداوم این الگو می‌تواند تحرک اجتماعی را محدودتر کند. وقتی فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد عمدتاً در همان شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی ازدواج می‌کنند، منابع، سرمایه اجتماعی و فرصت‌های شغلی در همان محدوده باقی می‌ماند و فاصله طبقاتی بازتولید می‌شود. یافته‌های جدید اقتصادی نشان می‌دهد، الگویی که در فرهنگ عامه مطلوب و طبیعی تلقی می‌شود لزوماً به تحرک اجتماعی بیشتر منجر نمی‌شود و حتی ممکن است به تثبیت نابرابری‌های موجود کمک کند.

نتایج مطالعات اقتصاددانان در ایالت ماساچوست آمریکا نشان می‌دهد که تغییرات در سازوکارهای بازار ازدواج، به‌ویژه کاهش تمایل به ازدواج درون طبقه اجتماعی به‌طرز قابل‌توجهی به بهبود تحرک اقتصادی بین نسلی زنان کمک کرده است. به عقیده اقتصاددانان، بازار ازدواج، مانند بازار کار، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به فرصت‌های اقتصادی افراد ایفا کند. در جوامعی که ازدواج‌ها عمدتاً درون یک طبقه اجتماعی یا اقتصادی مشخص انجام می‌شود، ساختار طبقاتی جامعه بازتولید می‌شود. در چنین شرایطی، وضعیت اقتصادی پدر و مادر به احتمال زیاد به نسل بعد منتقل می‌شود و تحرک بین‌نسلی محدود می‌ماند. به بیان ساده، اگر افراد عمدتاً با کسانی ازدواج کنند که از نظر اقتصادی مشابه خودشان هستند، فاصله طبقاتی پایدارتر می‌شود. برای مثال اگر فرزندان خانواده‌های ثروتمند با یکدیگر و فرزندان خانواده‌های فقیر نیز با هم ازدواج کنند احتمال اینکه وضعیت مالی آنها به فرزندانشان هم منتقل شود بسیار زیاد است. اما وقتی تمایل به ازدواج درون‌طبقه‌ای کاهش می‌یابد و افراد از طبقات مختلف پیشتر با یکدیگر ازدواج می‌کنند، پیوندهای اقتصادی میان طبقات گسترش پیدا می‌کند. در این حالت، دختران خانواده‌های کم‌درآمد شانس بیشتری دارند که با مردانی از طبقات بالاتر ازدواج کنند و بالعکس. این امر باعث می‌شود، رابطه مستقیم و سخت‌گیرانه میان وضعیت اقتصادی خانواده مبدأ و وضعیت اقتصادی خانواده مقصد تضعیف شود. در نتیجه، وابستگی سرنوشت اقتصادی زنان به جایگاه اقتصادی پدرانشان کاهش می‌یابد و امکان جابه‌جایی در ردبان اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. ازدواج یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انتقال منابع، شبکه‌های اجتماعی و سرمایه انسانی است. همسر نه تنها منبع درآمد بلکه دسترسی به ارتباطات اجتماعی، اعتبار، آموزش بهتر برای فرزندان و امنیت اقتصادی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین، تغییر در الگوهای همسرگزینی می‌تواند به‌اندازه تغییر در دستمزدها یا فرصت‌های شغلی بر تحرک اقتصادی اثر بگذارد. در دوره‌هایی که زنان هنوز حضور گسترده‌ای در بازار کار نداشتند، ازدواج یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تعیین‌کننده موقعیت اقتصادی آنان بود. کاهش همسرگزینی درون‌طبقه‌ای در چنین شرایطی عملاً به‌معنای باز شدن کانال‌های جدید برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان بوده است. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که تحرک اقتصادی صرفاً نتیجه سیاست‌های بازار کار یا رشد اقتصادی نیست بلکه به ساختارهای اجتماعی و الگوهای خانوادگی نیز وابسته است. هرچه مرزهای طبقاتی در انتخاب همسر کم‌رنگ‌تر شود، امکان جابه‌جایی بین نسل‌ها بیشتر می‌شود و ساختار اجتماعی انعطاف‌پذیرتر خواهد بود.

تغییرات در سازوکارهای بازار ازدواج، به‌ویژه کاهش تمایل به ازدواج درون همان طبقه اجتماعی، به‌طرز قابل‌توجهی به بهبود تحرک اقتصادی بین نسلی زنان کمک کرد؛ به‌طوری‌که حتی بدون ورود گسترده زنان به بازار کار، تحرک آنها نسبت به نسل‌های قبلی افزایش یافته بود. این یافته‌ها دیدگاه جدیدی را درباره تحرک اقتصادی زنان پیش روی ما می‌گذارند و اهمیت عوامل اجتماعی، خانوادگی و بازارهای متصل به ازدواج را در تقویت یا تضعیف فرصت‌های برابر برای زنان برجسته می‌کنند.

مرثیه آمار

چرا اعداد و آمار اقتصادی به اشتباه بیان می‌شود؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

آمارها اگر درست خوانده شوند، آینه تمام‌نمای واقعیت اقتصاد اقتصاد کشور هستند نه برای سیاه‌نمایی و نه برای بزرگ کردن بلکه برای دیدن تصویر واقعی.

ایران با جمعیتی حدود ۸۷ میلیون نفر، نزدیک به ۶۵ میلیون نفر در سن کار دارد. با این حال، تنها ۲۵ میلیون نفر شاغل هستند؛ یعنی کمتر از یک‌سوم کل جمعیت کشور بار اصلی اقتصاد را به دوش می‌کشند. در شرایط طبیعی، انتظار می‌رود حدود ۳۸ میلیون نفر در اقتصاد فعال باشند اما فاصله میان وضعیت موجود و این ظرفیت بالقوه چشمگیر است.

از میان ۲۵ میلیون شاغل حدود ۲ میلیون نفر شغل پاره‌وقت دارند و کیفیت اشتغال نیز با چالش‌های جدی روبه‌روست. حدود ۴۰ درصد شاغلان خوداشتغال هستند؛ ۱۷ میلیون نفر در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر و ۱۵ میلیون نفر در کارگاه‌های زیر ۵ نفر فعالیت می‌کنند؛ بخش‌هایی که عموماً از ثبات شغلی و حمایت‌های قانونی کامل برخوردار نیستند. همچنین ۱۴ میلیون نفر از شاغلان فاقد بیمه‌اند و در زمره اشتغال غیررسمی قرار می‌گیرند. این یعنی بیش از

نیمی از نیروی کار کشور در فضایی با حداقل امنیت شغلی کار می‌کند. وقتی تنها ۲۵ میلیون نفر از ۸۷ میلیون جمعیت ایران شاغل هستند و ۱۴ میلیون نفر از آنان نیز بیمه ندارند، آمارها به‌روشنی از شکندگی بازار کار حکایت می‌کنند. از سوی دیگر، تنها حدود ۵ میلیون کارگر مشارکت مؤثر در تولید ناخالص داخلی دارند؛ رقمی که نشان می‌دهد، بهره‌وری و ساختار تولید با محدودیت‌های جدی مواجه است. سهم زنان نیز در بازار کار پایین است؛ کمتر از ۴ میلیون نفر از شاغلان کشور زن هستند و نرخ بیکاری زنان تحصیل‌کرده به ۵۸ درصد می‌رسد. نرخ رسمی بیکاری در کشور حدود ۷ درصد اعلام می‌شود اما این عدد همه واقعیت را بازتاب نمی‌دهد. در برخی استان‌ها نرخ بیکاری به بیش از ۱۳ درصد می‌رسد. همچنین نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال ۲۱.۵ درصد و برای گروه ۱۸ تا ۳۵ سال ۱۵.۹ درصد است؛ یعنی از هر پنج جوان، یک نفر بیکار است. افزون بر این ۱۲ میلیون جوان ایرانی نه شاغل هستند و نه در حال تحصیل؛ گروهی که در ادبیات اقتصادی به جمعیت «NEET» معروفند.

برآیند این اعداد نشان می‌دهد هر یک نفر شاغل باید هزینه زندگی حدود ۳.۵ نفر را تأمین کند. با وجود آنکه سالانه به‌طور متوسط ۲۰۰ هزار نفر به جمع شاغلان افزوده می‌شود، این میزان پاسخگوی نیاز اقتصاد و حجم ورود جوانان به بازار

بازار سهام

کار نیست. این آمارها نشان می‌دهد، اقتصاد ایران با کمبود اشتغال باکیفیت، مشارکت پایین نیروی کار و فشار سنگین بر جمعیت شاغل روبه‌روست.

این ارقام تصویری از اقتصادی ارائه می‌کنند که از نظر ظرفیت انسانی غنی است اما در بهره‌گیری از این ظرفیت با محدودیت‌های جدی مواجه است. از ۸۷ میلیون نفر جمعیت ۶۵ میلیون نفر در سن کار قرار دارند اما تنها ۲۵ میلیون نفر شاغل هستند؛ یعنی بخش بزرگی از توان بالقوه نیروی انسانی بالفعل نشده است. وقتی در شرایط طبیعی باید حدود ۳۸ میلیون نفر در اقتصاد فعال باشند اما فاصله‌ای ۱۳ میلیون وجود دارد، این شکاف خود را به شکل فشار معیشتی، کاهش



درآمد سرانه و کندی رشد اقتصادی نشان می‌دهد. کیفیت اشتغال نیز چالش‌برانگیز است. ۱۴ میلیون نفر از شاغلان فاقد بیمه‌اند و در بخش غیررسمی کار می‌کنند، ۱۵ میلیون نفر در کارگاه‌های زیر پنج نفر فعالیت دارند و ۴۰ درصد شاغلان خوداشتغال هستند؛ ساختاری که اغلب با درآمد ناپایدار، بهره‌وری پایین و نبود حمایت‌های اجتماعی همراه است. تنها ۵ میلیون نفر مشارکت مؤثر در تولید ناخالص داخلی دارند که بیانگر تمرکز تولید در بخش محدودی از نیروی کار و ضعف گسترده در بهره‌وری است.

از سوی دیگر، سهم پایین زنان در بازار کار و نرخ بالای بیکاری زنان تحصیل‌کرده نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه انسانی کشور عملاً بلااستفاده مانده است. بیکاری ۲۱.۵ درصدی جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال و وجود ۱۲ میلیون جوانی که نه شاغل هستند و نه در حال تحصیل، هشدار جدی درباره آینده بازار کار و پیامدهای اجتماعی آن است. در چنین شرایطی هر شاغل باید هزینه زندگی حدود ۳.۵ نفر را تأمین کند که فشار مضاعفی بر خانوارها وارد می‌کند. این آمارها تصویری از اقتصادی ارائه می‌دهد که با نرخ رسمی بیکاری نسبتاً پایین اما با مشارکت اندک، اشتغال غیررسمی گسترده، بهره‌وری محدود و نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی مواجه است؛ اقتصادی که مسئله اصلی آن نه فقط «کمیت

شغل» بلکه «کیفیت، پایداری و کارآمدی اشتغال» است. حالا کافی است برعکس ببینیم و به این پرسش پاسخ دهیم که اگر اقتصاد ایران درست کار می‌کرد، این آمارها چه وضعی داشتند؟

قاعداً اگر اقتصاد ایران کارآمد و پویا بود باید دست‌کم ۳۸ میلیون نفر شاغل، نرخ بیکاری تک‌رقمی پایدار با مشارکت بالا و سهم بسیار کمتر اشتغال غیررسمی داشتیم. در یک اقتصاد درست‌کار، از جمعیت ۶۵ میلیونی در سن کار، حدود ۳۸ میلیون نفر در بازار کار فعال و بخش عمده‌ای از آنان شاغل بودند؛ نه اینکه تنها ۲۵ میلیون نفر بار اصلی اقتصاد را بر دوش بکشند. نرخ بیکاری در چنین اقتصادی صرفاً پایین آماری نبود بلکه همراه با نرخ مشارکت بالا معنا پیدا می‌کرد؛ یعنی کاهش بیکاری ناشی از ایجاد فرصت‌های واقعی شغلی بود، نه خروج افراد از بازار کار. در وضعیت مطلوب، سهم اشتغال رسمی به‌مراتب بیشتر بود و اکثریت شاغلان از بیمه و حمایت‌های قانونی برخوردار بودند؛ نه اینکه ۱۴ میلیون نفر در بخش غیررسمی فعالیت کنند. اشتغال در بنگاه‌های کوچک همچنان مهم می‌ماند اما وزن اصلی تولید و رشد اقتصادی بر دوش بنگاه‌های متوسط و بزرگ با بهره‌وری بالاتر قرار می‌گرفت. به‌جای تمرکز اثرگذاری تولید بر حدود ۵ میلیون نفر، بخش گسترده‌تری از نیروی کار در خلق ارزش افزوده نقش

مؤثر داشت. در یک اقتصاد سالم، نرخ بیکاری جوانان به محدوده‌ای نزدیک به میانگین کل اقتصاد کاهش می‌یافت و جمعیت ۱۲ میلیونی جوانان خارج از تحصیل و اشتغال به‌طور چشمگیری کوچک‌تر می‌شد. زنان سهم بسیار بیشتری از اشتغال را در اختیار داشتند و نرخ بیکاری زنان تحصیل‌کرده به سطحی متعارف و رقابتی کاهش پیدا می‌کرد به‌گونه‌ای که سرمایه انسانی آموزش‌دیده به موتور رشد تبدیل می‌شد، نه به ظرفیت بلااستفاده. در چنین شرایطی، نسبت وابستگی نیز متعادل‌تر می‌بود و هر شاغل به‌جای تأمین هزینه زندگی ۳.۵ نفر، بار جمعیتی سبک‌تری را تحمل می‌کرد. همچنین رشد سالانه اشتغال بسیار فراتر از ۲۰۰ هزار نفر بود و با سرعت ورود جوانان به بازار کار همخوانی داشت. در مجموع، اگر اقتصاد ایران درست کار می‌کرد، تصویر غالب از بازار کار، ثبات، بهره‌وری بالا، اشتغال رسمی گسترده، مشارکت فعال زنان و جوانان و فشار معیشتی کمتر بر خانوارها بود.

راست گفتن با آمار یعنی پذیرش این واقعیت که چالش اصلی اقتصاد ایران فقط «نرخ بیکاری» نیست بلکه کیفیت اشتغال، بهره‌وری پایین، سهم محدود زنان و جوانان در بازار کار و گسترش اشتغال غیررسمی است. تا زمانی که این تصویر به‌درستی دیده نشود، سیاستگذاری مؤثر نیز شکل نخواهد گرفت.

این سطح از ارزش معاملات نسبت به روزهای گذشته کاهش نشان می‌دهد؛ موضوعی که معمولاً به‌عنوان سیگنالی منفی برای تداوم پرقدرت روند صعودی تلقی می‌شود. سرانه خرید حقیقی‌ها ۵۳.۹ میلیون تومان و سرانه فروش ۵۳.۶ میلیون تومان بود که نسبت قدرت خرید را در عدد یک نشان می‌دهد. این برابری نسبی بیانگر تعادل میان عرضه و تقاضاست هرچند برتری تعداد نمادهای مثبت و صف‌های خرید حاکی از تمایل اندکی بیشتر به سمت خرید است. در معاملات دیروز ۱۶۴ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی ثبت شد که ورود پولی محدود و کم‌چان ارزیابی می‌شود. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج یک‌هزار و ۳۴۶ میلیارد تومان مواجه شدند. با توجه به رشد همزمان شاخص کل و هم‌وزن، برتری محسوس نمادهای مثبت، افزایش تعداد صف‌های خرید و ورود پول حقیقی به بازار سهام، می‌توان فضای عمومی معاملات را مثبت ارزیابی کرد. با این حال، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر روند روزهای آینده بورس، نتیجه مذاکرات ایران و آمریکا خواهد بود.

حق تقدم و صندوق‌های سهامی ۵۹۹ نماد در محدوده مثبت و ۲۱۸ نماد در محدوده منفی معامله شدند که بیانگر برتری قابل‌توجه خریداران در سطح بازار است. این نسبت مثبت به منفی یکی از سیگنال‌های مهم در تحلیل روند کوتاه‌مدت شاخص کل محسوب می‌شود. ارزش سفارش‌های خرید به یک‌هزار و ۸۱۹ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۶۱۹ میلیارد تومان بود. فاصله معنادار میان سفارش‌های خرید و فروش نشان می‌دهد در پایان معاملات نیز کفه تقاضا سنگین‌تر از عرضه بوده و بخشی از نقدینگی در صف‌های خرید باقی مانده است. در مجموع ۱۶۸ نماد در صف خرید و ۵۴ نماد در صف فروش قرار گرفتند. برتری صف‌های خرید نسبت به صف‌های فروش، تصویر مثبتی از فضای عمومی معاملات ارائه می‌دهد و می‌تواند بر انتظارات معامله‌گران نسبت به جهت حرکت شاخص در روزهای آینده اثرگذار باشد. حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۸ میلیارد برگه رسید و ارزش معاملات نیز رقم ۷ هزار و ۲۴۵ میلیارد تومان را ثبت کرد.

۸۸۰۰ کیفرخواست

گزارش سخنگوی قوه قضائیه از خسارات اعتراضات اخیر

گروه اجتماعی: اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، در نشست خبری دیروز خود که در آستانه ماه مبارک رمضان برگزار شد، جزئیات تازه‌ای از پرونده‌های کثیرالشاکی، وضعیت متهمان حوادث اخیر و آخرین اقدامات دستگاه قضا در حوزه هوشمندسازی و مبارزه با فساد اقتصادی را تشریح کرد. وی در این نشست با تفکیک میان فریب‌خوردگان و عوامل اصلی آشوب‌ها از صدور بیش از ۸ هزار کیفرخواست در پرونده‌های اخیر خبر داد و تأکید کرد که رسیدگی به اتهامات، افرادی که نقش صحنه‌گردان و هدایت‌کننده در پشت‌پرده جریان‌های آشوب یا اقدامات تروریستی داشته‌اند با دقت و جدیت مضاعف ادامه خواهد یافت.

تفکیک قاطع میان لیدرهای آشوب و فریب‌خوردگان

جهانگیر با ارائه آمار دقیق از وضعیت پرونده‌های بازداشت‌شدگان وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ خاطر نشان کرد که دستگاه قضایی برای تفکیک افراد بی‌گناه یا کم‌نقش از عوامل اصلی، زمان و بررسی‌های موشکافانه‌ای را اختصاص داده است. وی در تشریح این آمار اعلام کرد: «تا صبح امروز (سه‌شنبه) براساس اعلام دادستانی کل کشور ۱۰ هزار و ۵۳۸ جلب به دادرسی و ۸ هزار و ۸۴۳ کیفرخواست در سراسر کشور صادر شده است که تعدادی از آنها در حال رسیدگی در دادگاه و برخی آماده ارسال هستند». سخنگوی قوه قضائیه همچنین به رویکرد رأفت اسلامی درخصوص افراد کم‌تقصیر اشاره کرد و از صدور ۳ هزار و ۴۷ مورد منع تعقیب، ۹۶ مورد موقوفی تعقیب و ۵۰۸ مورد تعلیق تعقیب در این بازه زمانی خبر داد. وی در پاسخ به پرسشی پیرامون امکان منتفی شدن پرداخت خسارت از سوی چهره‌های مشهور مشوق اغتشاشات، تصریح کرد که این موضوع کاملاً مصداقی است و

جامعه

خاکسترنشینان بازار جنت‌آباد

زنان و کسبه‌ای که یک‌شبه همه دارایی‌شان را از دست دادند، چشم‌انتظار کمک هستند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

دیروز پله‌های ساختمان «بهشت» میزبان کسانی بود که دار و ندارشان در چهاردهمین روز از بهمن‌ماه، میان شعله‌های سرکش بازارچه جنت‌آباد دود شد و به آسمان رفت. تجمع مال‌باختگان بازار جنت مقابل ساختمان شورای شهر تهران، آن هم درست در روزی که علیرضا زاکانی برای پاسخگویی به صحن‌شورا آمده بود، پرده‌برداری از زخمی بود که دو هفته است بر پیکر نحیف معیشت صدها خانوار تهرانی دهان باز کرده است. اینجا، در قلب تپنده مدیریت شهری، زنانی ایستاده بودند که صورتشان با سیلی سرخ و عده‌ها گرم مانده اما دست‌هایشان خالی‌تر از هر زمان دیگری است.

هیولای سیاه در حصار آبی

دو هفته از آن سه‌شنبه کدایی (۱۴ بهمن) می‌گذرد؛ روزی که ستون‌های دود سیاه از غرب تهران بلند شد و در عرض چند ساعت، سازه ۲۰۳ هزارمتری بازار جنت را به تلی از آهن‌پاره‌های درهم‌تپیده و مذاب تبدیل کرد. امروز اگر از حوالی تقاطع جنت‌آباد شمالی و آبنشاسان عبور کنید، تنها یک هیولای فلزی فرو ریخته می‌بینید که پشت حصارهای آبی‌رنگ شهرداری کز کرده است. تا همین ۱۴ روز پیش، اینجا نبض زندگی ۲۰۰ تا ۳۰۰ غرفه‌دار می‌تپید؛ جایی که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در آن یافت می‌شد و عصای دست اهالی محل در روزهای گرانی بود. حالا اما، سکوت بعد از فاجعه، تنها با صدای باد در میان ورق‌های شیروانی سوخته شکسته می‌شود.

روایت زنانی که یک‌شبه فرو ریختند

در میان تجمع‌کنندگان مقابل شورا، چهره‌های مستأصلی دیده می‌شد که روایت‌هایشان فراتر از یک خسارت مالی ساده است. «اللهه خانم»، زنی ۶۵ ساله که ۲۵ سال از عمرش را در این بازارچه سپری کرده، حالا مانده است که با قسط‌های عقب‌افتاده و چک‌های شب عید چه کند. او که پیش از حادثه ۱۰۵ میلیارد تومان کالا برای بازار شب عید خریده بود، حالا با چشم‌مانی اشک‌بار می‌گوید: «همه چیز پودر شد. برق که قطع شد، کرکره‌های برقی مغازه بالا نرفت و من

اگر نوجوانی تحت‌تأثیر فضا قرار گرفته و مرتکب جرم مهمی نشده باشد، ممکن است با اخذ تعهد پرونده‌اش مخومه شود اما برای کسانی که نقش تحریک‌کننده و هدایت‌گر داشته‌اند، حساب کاملاً جداست و فرآیند قضایی تا انتها طی خواهد شد.

فاکتور ۱۰ هزار میلیاردی خسارات به اموال عمومی و خصوصی

بخش قابل‌توجهی از سخنان جهانگیر به برآورد خسارات مالی ناشی از اغتشاشات اخیر اختصاص یافت. وی با استناد به گزارش‌های کارشناسی مرکز وکلای قوه قضائیه و دادستانی کل، مجموع خسارات زیرساخت‌های شهری در ۲۱ شهر را بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ همت) اعلام کرد. طبق این گزارش بیشترین خسارت به استان گیلان و بازار تاریخی رشت با برآورد ۱۰ همت وارد شده است. سخنگو در تشریح جزئیات این خسارات گفت: «۴۱۴ ساختمان دولتی، ۷۴۹ کلاتری، ۷۵۰ شعبه بانک، ۶۰۰ دستگاه خودپرداز، ۱۲۰ مرکز بسیج، ۳۵ آمبولانس، ۵۰ خودروی آتش‌نشانی و ۲۵۳ ایستگاه اتوبوس در این وقایع آسیب دیده‌اند. همچنین ۳۰۰ واحد مسکونی، ۷۰۰ فروشگاه محلی، ۸۰۰ خودروی شخصی و ۳۵۰ مسجد نیز از جمله اماکن خصوصی و مذهبی هستند که مورد تعرض و تخریب قرار گرفته‌اند». وی تأکید کرد که پرونده‌های مربوط به این خسارات در دادگستری‌های سراسر کشور تشکیل شده و رسیدگی به آنها جهت استیفای حقوق بیت‌المال و مردم آغاز شده است.

تعقیب بین‌المللی «بنیاد پهلوی» و غارتگران بیت‌المال

سخنگوی دستگاه قضا از تمرکز ویژه بر پرونده «بنیاد پهلوی»



خبر داد و این نهاد را یک جریان غارتگر اموال مردم و بیت‌المال نامید. وی اظهار کرد: «مرکز وکلای قوه قضائیه در حال جمع‌آوری مستندات مرتبط با جرایم این نهاد، ازجمله میزان وجوه خارج شده و اموال به غارت رفته است. گزارش‌های ضابطان نشان می‌دهد که این جریان حتی در اقدامات تروریستی و واردات سلاح و مهمات نیز نقش داشته است». جهانگیر هدف از این اقدامات را تنظیم یک دادخواست بین‌المللی جامع علیه جنایات این بنیاد در طول دهه‌های گذشته برشمرد تا حقوق ملت ایران در مجامع حقوقی جهان استیفا شود.

فرار شبنم نعمت‌زاده و وضعیت توبه «تتلو»

جهانگیر در ادامه نشست خبری به وضعیت پرونده‌های جنجالی چهره‌های شناخته‌شده پرداخت. وی درباره آخرین وضعیت پرونده شبنم نعمت‌زاده صراحتاً اعلام کرد: «این فرد پس از بهرمنندی از مرخصی در موعد مقرر به زندان مراجعه نکرده و به همین دلیل حکم جلب وی صادر شده است. با توجه به متواری بودن متهم، اقدامات قانونی برای شناسایی و دستگیری او توسط ضابطان در دستور کار قرار دارد». وی همچنین از برگزاری مزایده ملک متعلق به پدر این متهم در لواسان در تاریخ ۲۹ بهمن خبر داد تا بخشی از حقوق مال‌باختگان جبران شود. در خصوص پرونده امیرحسین مقصودلو

(تتلو) و موضوع احراز توبه وی، سخنگوی قوه قضائیه تأکید کرد: «احراز توبه موضوعی است که باید در دادگاه رسیدگی‌کننده بررسی و احراز شود. تا این لحظه، دادگاه اعلامی مبنی بر احراز توبه ایشان نداشته است و تا زمانی که این موضوع به‌صورت رسمی توسط مرجع قضایی اعلام نشود، فرآیند رسیدگی ادامه دارد».

برخورد با «خالی‌فروشی» در بازار طلا و هوشمندسازی قضایی

جهانگیر با اشاره به نظارت دستگاه قضا بر فضای مجازی از برخورد با سکوهای مجازی که اقدام به «خالی‌فروشی» طلا می‌کنند، خبر داد. وی گفت: «برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های تلخی نظیر کلاهبرداری‌های سکه ثامن، دادستانی کل کشور مهلتی تا ۲۵ اسفند ماه به این سکوها داده است تا طلاهای فروخته شده را به صندوق امانات بانک منتقل کنند. تاکنون ۳ هزار کیلوگرم طلا در این راستا به بانک‌ها منتقل شده است». در بخش تحول اداری، سخنگو از راه‌اندازی «دستیار هوشمند قضایی» سخن گفت که با استفاده از هوش مصنوعی، ایرادات احتمالی آرا را پیش از امضا به قاضی اعلام کرده و حتی پیش‌نویس اولیه رأی را تهیه می‌کند. وی این اقدام را گامی در جهت کاهش خطاهای انسانی و مدیریت تعارضات قانونی دانست.

صیانت از تولید و حقوق عامه

سخنگوی دستگاه قضا در پایان گزارش عملکردی از حمایت‌های قضایی ارائه کرد و گفت که در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۴ با اقدامات ستاد اقتصاد مقاومتی از تعطیلی ۱۳۶۱ واحد تولیدی جلوگیری شده و ۱۶۵ هزار و ۸۴۸ نفر از خطر بیکاری نجات یافته‌اند. همچنین در حوزه رفع تصرف اراضی، تنها در استان تهران آزادسازی ۴۴ هکتار از اراضی ملی به ارزش تقریبی ۵۰۵ همت و ۱۲۸ هکتار از اراضی زراعی با صدور دستورات قضایی فوری انجام شده است. وی همچنین به برخورد قاطع با مدیران مستنکف اشاره کرد و از صدور ۵۰۱ حکم محکومیت در دیوان عدالت اداری برای مدیرانی که از اجرای قانون سر باز زده‌اند، خبر داد.

ادامه یادداشت روز

اضطراب جمعی

همین منطق درباره سرمایه انسانی نیز صادق است. نخبگان و نیروهای متخصص بیش از دیگران به آفق‌های بلندمدت نیاز دارند. آنان زمانی می‌مانند و می‌سازند که بتوانند، آینده را قابل تصور ببینند. اما وقتی جامعه در وضعیت اضطراری مزمز قرار می‌گیرد، عقلانیت فردی به سمت «نجات شخصی» متمایل می‌شود. خروج سرمایه انسانی در چنین فضایی نه نشانه بی‌تعهدی بلکه واکنشی طبیعی به ناامنی ساختاری است. این مهاجرت خاموش از پرهزینه‌ترین پیامدهای اضطراب جمعی است؛ هزینه‌ای که آثار آن در کاهش ظرفیت علمی و اقتصادی کشور در دهه‌های بعد آشکار می‌شود.

در این میان، سرمایه اجتماعی بیش از همه آسیب می‌بیند. اعتماد عمومی که پیش‌تر زیر فشار تورم، بی‌ثباتی قواعد اقتصادی و نااطمینانی سیاستی فرسوده شده بود با افزوده شدن سایه جنگ آسیب عمیق‌تری می‌بیند. اعتماد، برخلاف تصور رایج، با پیام‌های اطمینان‌بخش یا آمارهای رسمی بازسازی نمی‌شود. اعتماد محصول تجربه زیسته امنیت و پیش‌بینی‌پذیری است. جامعه زمانی آرام می‌شود که ثبات را در زندگی روزمره لمس کند، نه آنکه صرفاً درباره آن بشنود. به همین دلیل، نسخه‌های صرفاً تکنیکی اقتصادی در فضایی که اضطراب جمعی بالاست، کارایی محدودی دارند.

بازگشت به ریل توسعه، پیش از هر اصلاح بولی یا بودجه‌ای، نیازمند بازسازی حس امنیت در جامعه است. این امنیت فقط به‌معنای نبود جنگ نیست؛ بلکه شامل کاهش تنش‌های خارجی، ثبات قواعد اقتصادی، پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها و پایان دادن به زیستن دائمی در وضعیت اضطراری است. توسعه در فضایی شکل می‌گیرد که مردم بتوانند آینده را تصور کنند، برای آن برنامه‌ریزی کنند و باور داشته باشند، تلاش امروز به فردایی بهتر منتهی می‌شود. بدون این آفق ذهنی حتی بهترین سیاست‌های اقتصادی نیز در زمین بی‌اعتمادی کاشته می‌شوند و ثمری نمی‌دهند.

احیای ثبات، در نهایت، پروژه‌ای روانی-اجتماعی به همان اندازه اقتصادی است. جامعه‌ای که از بن‌بست هراس خارج نشود، نه سرمایه‌گذاری می‌کند، نه می‌ماند و نه می‌سازد. توسعه پیش از آنکه در شاخص‌ها رخ دهد، در ذهن‌ها آغاز می‌شود؛ جایی که آینده باید دوباره قابل باور شود.

تأمین‌کنندگان در راه است، غرفه رایگان بدون نقدینگی، تنها یک ویترین خالی برای نمایش فقر خواهد بود.

ایمنی؛ حلقه مفقوده مدیریت شهری

گزارش‌ها حاکی از آن است که اتصال برق، کانون شروع آتش‌سوزی بوده است؛ حادثه‌ای که شاید با یک سیستم اطفای حریق ساده یا سیم‌کشی استاندارد هرگز به یک فاجعه ملی تبدیل نمی‌شد. غرفه‌داران می‌گویند در قراردادهای سالانه آنها هیچ اشاره‌ای به نواقص ایمنی نشده بود و کیسول‌های آتش‌نشانی موجود در بازار نیز در لحظه حادثه، فاسد و بی‌اثر بودند. درحالی که برخی مسئولان از خطاهای مکرر به این ساختمان سخن می‌گویند، کسبه مدعی هستند هیچ‌گاه از این خطاها مطلع نشده‌اند. تناقض میان آمار ساختمان‌های ناایمن تهران و آنچه در عمل رخ می‌دهد، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که چرا شهرداری تهران پیش از وقوع فاجعه از اهرم‌های قانونی خود برای ایمن‌سازی این سازه‌های موقت استفاده نمی‌کند؟

شب عیدی که سیاه شد

برای کسبه بازار جنت، اسفندماه تنها یک ماه تقویمی نیست؛ تمام امید آنها برای جبران کسادی ماه‌های اخیر به همین ۳۰ روز گره خورده بود. حالا شهرداری از آواربرداری و طی کردن «تشریفات قانونی» برای حراج ضایعات صحبت می‌کند؛ فرآیندی که در بروکراسی اداری ایران، ماه‌ها به طول می‌افتد. وعده وام ۳۰۰ میلیونی یا حتی یک میلیاردی، برای زنانی که ماهانه ۲۰ میلیون تومان اجاره خانه می‌دهند و تمام دارایی‌شان در گروی چک‌های بازار است، نوشدارویی پس از مرگ سهراب به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، انتقال کسبه به مکان‌های جدید در مناطق دیگر به‌معنای از دست دادن مشتریان وفادار محلی است که سال‌ها طول کشیده تا جذب شوند. بازار جنت حالا دیگر یک بازار نیست؛ یک «پرونده» است. پرونده‌ای که نشان می‌دهد، چگونه نبود نظارت دقیق بر پیمانکاران و نادیده گرفتن استانداردهای ایمنی در سازه‌های شهری، می‌تواند معیشت ۲۷۰ خانواده را در کمتر از سه ساعت ذوب کند. چشم‌های مال‌باختگان جنت‌آباد اکنون به تقویم دوخته شده است تا ببینند آیا اسفند برای آنها بوی «بهار دوباره» می‌دهد یا بوی غلیظ‌تر «خاکستر آرزوها».



زنان سرپرست خانوار زیرمجموعه شهرداری بوده است. زاکانی در واکنش به فشار رسانه‌ها و تجمع‌کنندگان، قول‌هایی را ردیف کرد که تحقق آنها در فاصله ۳۰ روز‌مانده به پایان سال، چیزی شبیه به معجزه می‌طلبد. او وعده داد که تا قبل از عید، مکانی جدید برای استقرار این افراد فراهم، وام‌های حمایتی پرداخت گردد و تا یک سال نیز از آنها اجاره‌ای دریافت نشود. اما سوال اصلی غرفه‌داران این است: «با کدام سرمایه؟» وقتی کالاهای خریداری شده برای شب عید خاکستر شده و چک‌های

